دوفصلنامه علمی حدیث‌پژوهی
سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شمارهٔ ۲۸
مقاله علمی‌پژوهشی
صفحات: ۵۷ـ۱۰۰

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام

کاظم استادی*

◄ چکیده

تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام از جهات مختلفی همچون «تاریخ تألیف»، «انتساب به مؤلف»، «اسناد کتاب» و از همه مهم‌تر، «محتوای کتاب»، مناقشه‌آمیز است و مورد نقد برخی اندیشمندان قرار گرفته است. با توجه به این مناقشات، به ویژه مشکوک بودن انتساب تفسیر به امام حسن عسکری علیه‌السلام لازم می نماید این تفسیر از ابعاد گوناگونی بررسی شود، که یکی از آن‌ها اسناد تفسیر است تا دانسته شود کل اسناد تفسیر چگونه اند؟ آیا اسناد متعدد تفسیر یکسان‌اند؟ نسبت اسناد تفسیر به اصالت انتساب چگونه است؟ پژوهش حاضر با روشن تحقیق کتابخانه‌ای در منابع چاپی و نسخ خطی، ضمن گزارش شکلی اسناد تفسیر، به بررسی آن ها پرداخته است؛ تا وضعیت کل اسناد تفسیر را برای پژوهشگران، در دسترس و قابل تحلیل نماید. تفسیر عسکری چند دسته اسناد دارد که با تجزیه و تحلیل تمامی آن ها مشخص شد که نام «حسن بن علی» در تفسیر عسکری و نیز روایات منقول از آن، ناصر اطروش است؛ یعنی اسناد این تفسیر، طی قرون گذشته و در مراحل مختلف نسخه برداری و نقل، تغییراتی کرده است به طوری که از یک شخصیت مذهبی‌تاریخی زیدی‌مذهب، یعنی حسن بن علی عسکری اطروش، به یک شخصیت امامی مذهبی، یعنی امام یازدهم شیعیان علیه‌السلام بدل شده اند. نتیجه اینکه کتاب تفسیر عسکری کنونی، از ناصر کبیر اطروش است.

◄ کلیدواژه‌ها: **تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام حسن بن علی، ناصر اطروش، شیخ صدوق، کتاب *احتجاج*.**

* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران/ kazemostadi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۸   تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۱. مقدمه

تفاسیرِ روایی، مَأثور یا نَقلی، نوعی از تفاسیر قرآن‌اند که با استفاده از احادیث و روایاتِ تفسیری تدوین می شوند. به باور مفسران شیعه، از بهترین و استوارترین گونه‌های تفسیر قرآن، روایات پیامبر اسلامﷺ و امامانؑ در تفسیر و تبیین قرآن کریم است. تفسیر منسوب به امام حسن عسکریؑ یکی از تفاسیر روایی و حدیثی متقدم شیعه است که در آن، بسیاری از آیات تأویل شده و غالب تأویل ها نیز دربارهٔ معجزات پیامبرﷺ و امامان شیعه و مباحث امامت و ولایت است. در واقع این کتاب به‌نوعی، تفسیر نیست بلکه مجادلات و احتجاجاتی با محوریت فضایل و معجزات امامان شیعهؑ است. متن تفسیر قرآن، ناقص است و فقط تا پایان آیهٔ ۲۸۲ سورهٔ بقره را دارد و حدود ۳۷۹ روایت در آن شماره‌گذاری شده است(نک: عسکری، ۱۴۰۹ق، سراسر متن).

تفسیر عسکری، به نسبت کتاب‌های هم‌عرض و مشابه خود، بسیار پرنسخه است؛ به‌طوری که نزدیک به یکصد نسخهٔ خطی دارد(نک: درایتی، ۱۳۹۱ش، ج۸، ص۶۶۰) که در نوع خود کم‌نظیر است؛ هرچند که مورد بی‌توجهی فهرست‌نویسان و تراجم‌نگاران امامیه قرار گرفته است.(استادی، ۱۴۰۱ش، پ، مقدمه)

تفسیر منسوب به امام عسکریؑ از جهات مختلفی همچون «نسخ خطی»، «تاریخ تألیف اثر»، «انتساب کتاب به مؤلف»، «اسناد ابتدای کتاب» و از همه مهم‌تر «محتوای کتاب»، مناقشه‌آمیز بوده و است.

۱ـ۱. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ تفسیر منسوب به امام یازدهمؑ گفت‌وگوهای اجمالی و اشاراتی انتقادی در برخی از منابع متقدم و متأخر صورت گرفته است و آن را به نقد کشیده‌اند.(برای نمونه نک: ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق، ص۹۸؛ میرداماد، ۱۳۹۷ش، ص۱۸۸ـ۱۲۱؛ بلاغی، بی‌تا، ج۱، ص۴۹؛ شوشتری، ۱۴۰۱ق، ج۱، ص۱۵۲ـ۲۲۸؛ شعرانی، ۱۳۸۶ش، ج۱۰، ص۵۸۰)

همچنین آثار مستقلی در دهه های اخیر دربارهٔ این کتاب نگارش یافته اند که برخی از آن ها عبارت اند از: ۱. «بحثی دربارهٔ تفسیر امام حسن العسکریؑ»(استادی،

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۱۳۶۴ش)؛ ۲. *بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام* (هاشمی، ۱۳۸۵ش)؛ ۳. «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در بررسی علامه شوشتری»(نفیسی، ۱۳۸۵ش)؛ ۴. «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام» (لطفی، ۱۳۸۶ش)؛ ۵. «تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تأثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر».(ناظمی و معارف، ۱۳۹۷ش)

البته جدای از اینکه هیچ یک از آثار نام‌برده به ذکر تمامی اسناد تفسیر عسکری در منابع و نسخ خطی مختلف نپرداخته‌اند، توجه متمرکزی به تجزیه و تحلیل شکلی و تفاوت انواع اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز نداشته‌اند؛ که در پژوهش حاضر، به این مهم پرداخته شده است.

۲. طرح مسئله

با توجه به مناقشات دربارهٔ تفسیر و به‌ویژه مشکوک بودن انتساب تفسیر به امام حسن عسکری علیه السلام لازم است این تفسیر از ابعاد گوناگون بررسی شود؛ یکی از این ابعاد، اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.

چراکه تغییرات جزئی و گاه کلی در اسناد روایات، جدای از نسخه‌برداران و خطاطان، از سوی علما و حتی از طرف بزرگان حدیث نیز انجام شده است. این تغییرات گاه به‌ظاهر جزئی، در طول زمان، وضعیت برخی مسائل دربارهٔ احادیث و آثار حدیثی را بسیار پیچیده می‌کند.

اکنون با توجه به این موضوع، می توان سؤالاتی را مطرح کرد: آیا تفسیر عسکری، اسناد کلی ابتدایی نسخه و نیز اسناد دخلی نسخه، برای روایاتش دارد؟ آیا روایات تفسیر در منابع دیگری نیز آمده است؟ اسناد تفسیر یکتا هستند یا اسناد مختلفی دارند؟ کل اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام چه تعداد هستند؟ آیا این اسناد یکسان‌اند یا از هم متفاوت‌اند؟ پژوهش حاضر با توجه به مناقشات انتساب کتاب به امام عسکری علیه السلام، به گزارش شکلی اسناد تفسیر عسکری در نسخ خطی و منابع مختلف می پردازد تا با تجزیه و تحلیل آن‌ها تلاش کند برخی از مناقشات حول تفسیر عسکری را مرتفع نماید.

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۳. معرفی کل اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام

با جست‌وجویی که در منابع حدیثی، نسخه‌های خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام و نیز کتاب های مرتبط با این تفسیر، همانند *الاحتجاج* منسوب به طبرسی، صورت گرفت، مشخص شد که برای تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام و برخی از روایات منقول از آن، سه ـ چهار نوع اسناد، قابل طرح‌اند:

الف. اسناد تفسیر عسکری در روایات صدوق و در روایات انفرادی دیگر

شامل دو دسته اسناد روایات می شود: روایات شیخ صدوق که بیشترین حجم از این اسناد را شامل می شوند و نیز روایات اندک دیگر در منابع غیرصدوق که یا از آثار شیخ صدوق نقل نموده یا تعداد بسیار کمی که از طرق غیر شیخ صدوق، از تفسیر عسکری نقل کرده‌اند.

ب. اسناد در نسخه‌های خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام

اسناد موجود در ابتدای کتاب تفسیر عسکری دو نوع اند؛ این اسناد تا قسمتی از اسامی راویان خود مشترک‌اند و در بخشی متفاوت؛ البته در هر دو بخش، تفاوت‌های اندکی نیز با هم دارند.

ج. اسناد این تفسیر در کتاب الاحتجاج

در آغاز کتاب موسوم به *احتجاج*، بخشی از روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام وجود دارد که از قضا با اینکه روایات کتاب احتجاج بدون سند یا سند ناقص هستند، این روایات منقول از تفسیر عسکری در آن، دارای سند کامل‌اند.

د. اسناد احتمالی و تعویضی دیگر

از دیرباز، تفسیر عسکری به افراد دیگری نیز مرتبط شده است؛ همانند خالد برقی، دیباج و... . با توجه به اسناد صدوق و نیز تجزیه و تحلیل این ارتباطات میان افراد مطرح‌شده و نیز کتاب تفسیر کنونی و در دسترس، برخی از اسناد احتمالی دیگری هم قابل فرض‌اند که می توان به نوعی از اسناد کتاب کنونی تفسیر عسکری دانست.

کل این اسناد در کنار هم در جدول زیر آمده است:

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)

		۶۰۰+ قمری	۵۷۵+ قمری	۵۵۰+ قمری	۵۲۵+ قمری	۴۷۵+ قمری	۴۵۰+ قمری	۴۲۵+ قمری	۴۰۰+ قمری	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵+ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری
۱	تفسیر امام عسکری(ع) (قدیمی‌ترین نسخه خطی با تاریخ ۸۰۸ق)	-	-	-	-	-	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	محمّد بن عليّ بن محمّد بن جعفر بن الدقّاق (رقاق)	أبوالحسن محمّد بن أحمد بن عليّ بن الحسن بن شاذان (ز۴۱۲ق) و أبومحمّد جعفر بن أحمد بن علي‌القمّيّ	ابوجعفر محمد بن على بن الحسن بن موسى بن بابويه (شيخ صدوق) (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر لاسترابادي الخطيب	ابويعقوب يوسف بن زياد و ابو حسين على بن محمد بن سيار	؟	؟	الامام حسن بن على بن محمد ابی‌القائم (م۲۶۰ق)
۲	تفسیر امام عسکری(ع) (نسخه‌های خطی أ، ب، د، ط، ق، و)	-	-	-	-	-	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	محمّد بن عليّ بن محمّد بن جعفر بن الدقّاق (رقاق)	أبوالحسن محمّد بن أحمد بن عليّ بن الحسن بن شاذان (ز۴۱۲ق) و أبومحمّد جعفر بن أحمد بن علي‌القمّيّ	ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (شيخ صدوق) (م۳۸۱ق)	أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر الأسترآبادي الخطيب	ابويعقوب يوسف بن زياد و ابو حسن على بن محمد بن سيار	؟	؟	حسن بن على بن محمد (م۲۶۰ق)
۳	تفسیر امام عسکری(ع) (نسخه‌های خطی ب، س، ص، و)	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	أبوالفضل شاذان بن جبريل بن إسماعيل‌القمّيّ (۵۹۰ تا ۶۰۰ق)	محمّد بن شراهتك الحسيني الجرجانيّ (ز۵۳۳ق)	أبي‌جعفر مهتدي بن الحارث الحسيني المرعشيّ (م۵۳۹ق)	أبي‌عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي	أبيه	؟	؟	ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (شيخ صدوق) (م۳۸۱ق)	أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر الأسترآبادي الخطيب	ابويعقوب يوسف بن زياد و ابو حسن على بن محمد بن سيار	؟	؟	حسن بن على بن محمد (م۲۶۰ق)
۴	احتجاج نسخه اردکان تاریخ ۷۳۶ق اسناد تفسیر امام عسکری(ع)	-	(احتجاج منسوب به ابومنصور طبرسی (ح۵۸۸ق)	؟	أبوجعفر مهدي بن أبي‌حرب الحسيني المرعشي (م۵۳۹ق)	أبوعبدالله جعفر بن محمد بن أحمد الدوريستي (بعد ۴۷۴ق)	؟	؟	أبومحمد [جعفر بن] أحمد	ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه (شيخ صدوق) (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر	ابويعقوب يوسف بن محمد بن زياد و ابو حسين على بن محمد بن سيار	(کان ابوانا امامیین) عن ابومحمد الحسن بن على العسكرى	ابی	آبایه
۵	جمع‌بندی اسناد روایات شیخ صدوق ۱ ابویهما	-	-	-	-	-	-	-	-	ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه (شيخ صدوق) (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر	ابويعقوب يوسف بن محمد بن زياد و ابو حسين على بن محمد بن سيار	(عن أبويهما) الحسن بن على الناصرى	أبيه	آبایه
۶	جمع‌بندی اسناد روایات شیخ صدوق ۲ احمد بن الحسن الحسینی	-	-	-	-	-	-	-	-	ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه (شيخ صدوق) (م۳۸۱ق)	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ (الْأَسْتَرَابَادِيُّ)	أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ	أبيه	أبيه

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۴. اسناد موجود در آثار شیخ صدوق

شیخ صدوق بیش از سی روایت از شخصِ مجهولی به نـام‌هـای «محمـد بْـنُ اَلْقَاسِـمِ اَلْأَسْتَرْآبَادِيُّ اَلْمُفَسِّرُ، اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِی اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِیُّ»، احتمالاً در سفرش به استرآباد و جرجان(حدود سال ۳۶۸ق) با دو واسطه از «حسن بن علی» دریافت نموده و در برخی آثار خود نقل کرده است.

جدای از این، برخی روایات اندک شیخ صدوق از تفسیر عسکری نیـز وجـود دارد که از غیر شخص مفسر استرآبادی هستند؛ همانند «عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَی اَلدَّقَّاقُ عن عَلِيُّ بْنُ اَلْحُسَيْنِ اَلْقَاضِی اَلْعَلَوِيُّ اَلْعَبَّاسِيُّ عن اَلْحَسَنُبْنُ عَلِيٍّ.»(صـدوق، ۱۳۷۶ش، ج۱، ص۴۰) البته باید توجه داشت که حدود نیمی از روایات صدوق از تفسیر عسـکری(از طرق مختلف وی)، اکنون و در این تفسیر کنونی و در دسترس ما، وجود نـدارد.(بـرای نمونه نک: صدوق، ۱۳۹۰ق، ج۲، ص۱۶۷؛ صدوق، بی‌تا، ج۱، ص۲۹۸)

این اسناد و روایات صدوق را با دو روش می‌توان معرفی کرد:

۴ـ۱. گزارش اسناد صدوق بر اساس آثار صدوق

اسناد روایات تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) در آثار صدوق، شامل هشـت عنـوان کتاب‌اند:

یک ـ *عیـون اخبـار الرضـا(ع)*؛ بـا حـدود هفـده روایـت.(صـدوق، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۱۳۷، ۲۵۴، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۱۲؛ ج۲، ص۲، ۱۲، ۵۲ و ۱۶۷) قدیمی‌ترین نسخهٔ خطی تاریخ‌دار کتاب *عیون اخبار الرضا(ع)* مربـوط به ۵۷۶ق است(درایتـی، ۱۳۹۱ش، ج۲۳، ص۲۱۲) و نسـخه‌ای دیگـر در حـدود قـرن چهارم، یعنی هم‌عصر شیخ صدوق(م ۳۸۱ق) تخمین زده شده اسـت؛ بنـابراین فاصـلهٔ زمانی خاصی طبق نسخهٔ حدودی قرن چهارم، با اسناد روایات تفسیر وجـود نـدارد؛ و طبق نسخهٔ تاریخ‌دار، حداقل حدود دویست سال فاصلهٔ زمـانی بـدون اسـناد تـا راوی اسناد نسخه، یعنی شیخ صدوق، وجود دارند.

دو ـ *معانی الاخبـار*؛ بـا حـدود نـه روایـت.(صـدوق، ۱۳۷۹ق، ج۴، ۲۴، ۳۳، ۳۶، ۲۸۷(دو تا)، ۲۸۸، ۲۸۹ و ۳۳۹) قدیمی‌ترین نسخهٔ *معانی الاخبار* مربوط به قـرن دهـم است.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج۳۰، ص۲۵۷)

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

سه ـ *الامالی*؛ با حدود شش روایت.(صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱ ، ۴۰، ۱۱۰، ۱۷۴، ۱۷۵ و ۳۵۸). قدیمی‌ترین نسخهٔ کتاب *الامالی* مربوط به سال ۷۴۰ق است.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۴، ص ۸۱۹)

چهار ـ *علل الشرایع*؛ با حدود سه روایت.(صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۲۹۸؛ ج ۲، ص ۴۱۶) قدیمی‌ترین نسخهٔ کتاب *علل الشرایع* مربوط به قرن نهم است.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۲، ص ۸۳۵)

پنج ـ *التوحید*؛ با حدود سه روایت.(صدوق، ۱۳۵۷ش، ص ۴۷، ۲۳۰ و ۴۰۳) قدیمی ترین نسخه کتاب *التوحید*، مربوط به سال ۹۵۱ق است.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۹، ص ۴۱۸)

شش ـ الخصال؛ با یک روایت.(صدوق، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۴۸۴) قدیمی‌ترین نسخهٔ *الخصال* مربوط به سال ۸۰۱ق است.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۱۳، ص ۶۹۹)

هفت ـ *من لا یحضره الفقیه*؛ با یک روایت.(صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۷) قدیمی ترین نسخه *من لا یحضره الفقیه* مربوط به قرن ۴ یا ۵ق است که فقط جزء سوم کتاب را دارد؛ و نسخهٔ کهن دیگر مربوط به سال ۶۵۲ق است که آن نیز فقط از باب وضو تا اول باب زکات را داراست.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۶، ص ۴۳ و ۴۴)

هشت ـ *صفات الشیعة*؛ با یک روایت.(صدوق، ۱۳۶۲ش، ص ۴۵). قدیمی‌ترین نسخهٔ *صفات الشیعة* مربوط به قرن یازدهم است.(درایتی، ۱۳۹۱ش، ج ۲۱، ص ۶۸۵)

جدول احادیث منقول از تفسیر عسکری در آثار شیخ صدوق عبارت‌اند از:

10.22052/HADITH.2022.243109.1000

اسناد شیخ صدوق ۱ (عیون الاخبار الرضاء)

	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری
۱	عیون أخبار الرضا(ع) ص۲۷۴	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِيِّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ [الناصری] اَلْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	-	؟	اَلرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۲	عیون الأخبار ج۱ ص۲۹۷	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ(الأَسْتَرَابَادِيُّ)	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ [الناصری] اَلْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۳	عیون الأخبار ج۱ ص۳۱۲ و ج۲، ص۵۲	أَبُوالْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ [الناصری] اَلْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ [حدیث مشابه، ناصری است]	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيٍّ اَلرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۴	عیون الأخبار ج۲ ص۲	أَبُوالْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ [الناصری] اَلْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ اَلرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۵	عیون أخبار الرضا ۱ / ۲۵۴	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِيِّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ	عَنْ أَبِيهِ عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۶	عیون أخبارالرضا ۱/ ۲۹۱	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْمُفَسِّرِ اَلْجُرْجَانِيِّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	آبَائِهِ	-	-
۷	عیون أخبارالرضا ۱/ ۲۸۲، ۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْأَسْتَرَابَادِيُّ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِيِّ اَلْمُفَسِّرِ	أَبُويَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو اَلْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ (يسار)	اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	-	اَلرِّضَا	أَبِي عَنْ جَدِّي
۸	عیون أخبار الرضا ۲ / ۱۲	أَبُو اَلْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَيَّادٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۹	عیون أخبار الرضا ۲ / ۱۶۷	أَبُو اَلْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ	يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اَلْعَسْكَرِيِّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	-
۱۰	عیون اخبارالرضا ۲۹۱/۱	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْأَسْتَرَابَادِيُّ	يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ (سيار)	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	أَبِيهِ	-	آبَائِهِ	-	-
۱۱	عیون أخبار الرضا ۱ /۱۳۷، ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِيِّ	يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۱۲	عیون الأخبار ج۱ ص۲۵۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ اَلدَّقَّاقُ	عَلِيُّ بْنُ اَلْحُسَيْنِ اَلْعَلَوِيُّ	اَلْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ اَلنَّاصِرِيُّ قَدَّسَ اَللَّهُ رُوحَهُ	أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ	عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ (زیدی)	أَخِيهِ مَعْمَرٍ	-	-

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد شیخ صدوق ۲ (معانی الاخبار)

	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری
۱	معانی الأخبار (۱) ص ۲۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ (م ۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۲	معانی الأخبار (۲) ص ۲۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ (م ۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۳	معانی الأخبار ص ۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ (م ۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۴	معانی الأخبار ص ۲۸۹	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ	دَخَلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ
۵	معانی الأخبار ص ۴	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ	أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ وَ كَانَا مِنَ الشِّيعَةِ الْإِمَامِيَّةِ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الحسن بن علی بن محمد علیهم السلام	-	-	-	-	-
۶	معانی الأخبار ۲۴ و ۳۳ و ۳۶	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيِّ الْمُفَسِّرِ	أَبُويَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ (يسار)	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	-	-	-
۷	معانی الأخبار ۳۳۹	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سنان	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	أَبِيهِ	-	آبَائِهِ	-	-
۸	معانی‌الاخبار ۳۹۹	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ	يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ (سيار)	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	أَبِيهِ	-	آبَائِهِ	-	-

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد شیخ صدوق ۳ (الامالی و ...)

	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری
۱	الأمالی صدوق ج۱ ص۴۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ	عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْقَاضِي الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ	أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ	عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ (زیدی)	أَخِيهِ مَعْمَرٍ	-	-
۲	الأمالی صدوق ص۱۱۰	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ (الْأَسْتَرَابَادِيُّ)	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۳	الأمالی صدوق ص۳۵۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النَّاصِرِ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۴	الامالی صدوق ۱۷۵ التوحید ۴۰۳	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيِّ	يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۵	التوحید، ۲۳۰	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ	أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ وَ كَانَا مِنَ الشِّيعَةِ الْإِمَامِيَّةِ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الحسن بن علی بن محمد علیهم‌السلام	-	-	-	-	-
۶	التوحید ص ۴۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا	أَبِيهِ	-	جَدِّهِ	-	-
۷	علل الشرایع صدوق ج۱، ص۲۹۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيِّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۸	علل الشرایع ۲ / ۴۱۶	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ	أَبُويَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ (یسار)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	-	الرِّضَا	أَبِي عَنْ جَدِّي
۹	علل الشرایع، ۱ / ۱۴۰(سیار) من لا یحضره الفقیه ج۲، ص۳۲۷ الامالی صدوق ص۱۱ و ۱۷۴ صفات الشیعة ص۴۵	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ	يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ (سیار)	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	أَبِيهِ	-	آبَائِهِ	-	-

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۴ـ۲. گزارش اسناد صدوق بر اساس راویان

سه دسته از اسناد روایات موجود در آثار شیخ صدوق، به‌نوعی با تفسیر عسکری قابل ارتباط‌اند که آن‌ها را می‌توان به‌عنوان اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام مطرح ساخت:

۴ـ۲ـ۱. اسناد یوسف و علی، عن ابویهما عن حسن بن علی

این گروه احادیث، شامل اسناد مشابه با کمی تفاوت و تصحیف‌اند:

الف. اسناد حاوی عبارت «كَانَا مِنَ اَلشِّيعَة الامامية»

حَدَّثَنَا محمد بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْجُرْجَانِيُّ اَلْمُفَسِّرُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ محمد بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ محمد بْنِ سَيَّارٍ وَ **كَانَا مِنَ اَلشِّيعَة الامامية** عَنْ **أَبَوَيْهِمَا** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ محمد.(نک: صدوق، ۱۳۵۷ش، ص۲۳۰؛ همو، ۱۳۷۹ق، ص۴)

ب. بیشترین سهم اسناد از «عن ابویهما»

حَدَّثَنَا محمد بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْأَسْتَرْآبَادِيُّ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِيِّ اَلْمُفَسِّرِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ محمد بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو اَلْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ محمد بْنِ سَيَّارٍ عَنْ **أَبَوَيْهِمَا** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ محمد بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ محمد... .(نک: همو، ۱۳۷۹ق، ص۲۴، ۳۳، ۳۶ و ۳۹۹؛ همو، بی‌تا، ج۲، ص۴۱۶(یَسَارٍ)؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۸۸ و ۲۹۱)

مابقی آن‌ها صرف‌نظر از راویان تکراری ابتدای سند عبارت‌اند از:

عَنْ **أَبَوَيْهِمَا** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ **اَلْعَسْكَرِيِّ** عَنْ **أَبِيهِ** عَلِيِّ بْنِ محمد عَنْ أَبِيهِ محمد بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام عن اَلرِّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى... .(نک: همو، ۱۳۹۰ق، ج۲، ص۱۲(صَيَّادٍ) و ۱۶۷)

عَنْ **أَبَوَيْهِمَا** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ محمد بْنِ عَلِيٍّ اَلرِّضَا عَنْ **أَبِيهِ** عَنْ جَدِّهِ. (همو، ۱۳۵۷ش، ص۴۷)

عَنْ **أَبَوَيْهِمَا** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ **أَبِيهِ** عَلِيِّ بْنِ محمد عَنْ أَبِيهِ محمد بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ اَلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ محمد... . (نک: همو، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵)

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد تفسیر با توجه به «ابوانا و ابویهما»

		۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵+ قمری	؟	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری
۱	تفسیر امام عسکری(ع) (قدیمی‌ترین نسخه خطی با تاریخ ۸۰۸ق)	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه (شیخ صدوق) (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر لاسترابادی الخطیب	ابویعقوب یوسف بن زیاد و ابو حسین علی بن محمد بن سیار	-	؟	؟	الامام حسن بن علی بن محمد ابی‌القائم (م۲۶۰ق)
۲	تفسیر امام عسکری(ع) (نسخه‌های خطی أ، ب، د، ط، ق، و، س، ص)	ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر لاسترابادی الخطیب	ابویعقوب یوسف بن زیاد و ابو حسین علی بن محمد بن سیار	-	؟	؟	حسن بن علی بن محمد (م۲۶۰ق)
۳	احتجاج نسخه اردکان تاریخ۷۳۶ق اسناد تفسیر امام عسکری(ع)	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (شیخ صدوق) (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر	ابویعقوب یوسف بن زیاد و ابو حسین علی بن محمد بن سیار	کان ابوانا امامیین	ابومحمد الحسن بن علی العسکری	ابی	آبایه
۴	جمع‌بندی اسناد روایات شیخ صدوق ۱ ابویهما	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (شیخ صدوق) (م۳۸۱ق)	ابوالحسن محمد بن القاسم المفسر	ابویعقوب یوسف بن زیاد و ابو حسین علی بن محمد بن سیار	عَنْ أَبَوَيْهِمَا	الحسن بن علی الناصری	أبِيهِ	آبایه
۵	جمع‌بندی اسناد روایات شیخ صدوق ۲ احمد بن الحسن الحسینی	ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (شیخ صدوق) (م۳۸۱ق)	مُحَمَّدُ بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ (اَلْأَسْتَرَابَادِيُّ)	أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ اَلْحُسَيْنِيُّ	-	الحسن بن علی الناصری	أبِيهِ	أبِيهِ

پ. اسناد تصحیف‌یافته در نام برخی راویان

در برخی اندک از اسناد روایاتی که گذشت، به‌جای نام سیار، «یسار» یا «صیاد» آمده است(همان، ج۲، ص۱۲، صَيَّادٍ؛ همو، بی‌تا، ج۲، ص۴۱۶ ، يَسَارٍ) یا مثلاً سیار، «سنان» درج شده است.(همو، ۱۳۷۹ق، ص۳۳۹)

ت. اسناد تصحیف‌یافته در عَنْ أَبَوَيْهِمَا

حَدَّثَنَا محمد بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْمَعْرُوفُ بِأَبِي اَلْحَسَنِ اَلْجُرْجَانِيُّ رَضِيَ اَللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ محمد بْنِ زِيَادٍ عَنْ **أَبِيهِ** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ **أَبِيهِ** عَلِيِّ بْنِ محمد عَنْ أَبِيهِ محمد بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ اَلرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ اَلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ محمد... .(همو، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۵۴)

ث. جمع‌بندی و برخی نکات

دربارهٔ اسناد «يُوسُفُ وَ عَلِيٌّ عَنْ **أَبَوَيْهِمَا** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ»، چند مسئله قابل توجه است:

یک. حداقل در دو سند از این اسناد آمده است«ک أَبُويَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ محمد بْنِ

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

زِیَادٍ وَ عَلِیُّ بْنُ محمد بْنِ سَیَّارٍ **وَ کَانَا مِنَ اَلشِّیعَةِ الامامیة**»؛ که این اسناد شبیه اسناد تفسیر عسکری در کتاب *احتجاج* منسوب به طبرسی است. با توجه به اسناد تفسیر عسکری در *احتجاج*، «عَنْ أَبَوَيْهِمَا» در اسناد صدوق، به عنوان واسطه نقل در روایت، نادرست است و ظاهراً به تصحیف، در اسناد درج شده است. در واقع و با توجه به اسناد تفسیر عسکری در *احتجاج*، جملهٔ «یوسف بن محمد بن زیاد و أبوالحسن علی بن محمد بن سیار و کانا من الشیعة الامامیة قالا کان أبوانا إمامیین و کانت الزیدیة هم الغالبین بأسترآباد...»(نک: طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج۱، ص۱۶)، جملهٔ توضیحی میان اسناد بوده است که «ابوانا» در اسناد صدوق، به‌عنوان واسطهٔ نقل، به سند تغییر و اضافه شده است.

دو. در عنوان «حسن بن علی» اسناد شیخ صدوق از یُوسُفُ وَ عَلِيٌّ، این چند حالت درج شده‌اند: ۱. عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ ۲. عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اَلْعَسْكَرِيِّ؛ ۳. عَنِ الحسن بن علی بن محمد؛ ۴. عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ محمد بْنِ عَلِيٍّ اَلرِّضَا؛ ۵. عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ محمد بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ محمد بْنِ عَلِيٍّ بْنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

این‌گونه می نماید که اضافات بعد از «حسن بن علی»، متأخر از شیخ صدوق باشند؛ به این معنی که در نسخه‌برداری‌های از آثار صدوق، به متن صدوق اضافه شده‌اند.

سه. در اسناد شیخ صدوق از یُوسُفُ وَ عَلِيٌّ، برای راوی پس از حسن بن علی نیز چند حالت وجود دارد: ۱. بدون روای؛ ۲. أَبِيهِ؛ ۳. أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ محمد. در اینجا نیز با توجه به اسناد دیگر صدوق از تفسیر عسکری که به‌نقل از «احمد بن حسن» و همگی به‌نقل از «أَبِيهِ» هستند؛ روشن است که توضیحات اضافی «عَلِيٍّ بْنِ محمد» برای ابیه، متأخر از شیخ صدوق نوشته شده باشند؛ به این معنی که در نسخه برداری های از آثار صدوق، به متن صدوق افزوده شده‌اند.

۴ـ۲ـ۲. اسناد احمد عن حسن بن علی

در آثار شیخ صدوق، حدود دوازده روایت از مفسر استرآبادی از «احمد بن الحسن الحسینی» از «حسن بن علی» آمده است.(صدوق، ۱۳۷۶ش، ص۱۱۰ و ۳۵۸؛ همو، بی‌تا، ج۱، ص۲۹۸؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۷۴، ۲۹۷، ۳۱۲ و ج۲، ص۲، ۵۲؛ همو،

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۱۳۷۹ق، ۲۸۷(دو تا)، ۲۸۸ و ۲۸۹)

در سه کتاب *عیون اخبار الرضا*ؑ، *الامالی* و *معانی الاخبار*، حدود پنج روایت از مفسر استرآبادی، منتهی به «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ» با این اسناد وجود دارد:

حَدَّثَنَا محمد بْنُ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرُ اَلْجُرْجَانِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا **أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ اَلْحُسَیْنِیُّ** عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ **اَلنَّاصِرِیُّ** عَنْ **أَبِیهِ** عَنْ محمد بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ اَلرِّضَا عَنْ أَبِیهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ.(نک: همو، ۱۳۷۹ق، ص۲۸۷(دو تا حدیث) و ۲۸۸؛ همو، ۱۳۷۶ش، ص۳۵۸؛ همو، بی‌تا، ج۱، ص۲۹۸)

بنابراین از اسناد این روایات احمد بن حسن(یا بهتر بگوییم: ابوالحسین أَحْمَدُ بْنُ اَلْحَسَنِ الناصری اَلْحُسَیْنِیُّ متوفی ۳۱۱ق، فرزند ناصر اطروش) در آثار صدوق، هفت روایت، لقب «**الناصر**» و «**الناصری**» را به‌دنبال نام «حسن بن علی» ندارند؛ و به‌تنهایی آمده‌اند.(نک: همو، ۱۳۷۶ش، ص۱۱۰؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۷۴، ۲۷۹، ۳۱۲ و ج۲، ۵۲؛ همو، ۱۳۷۹ق، ص۲۸۹)؛ که در این میان، با توجه به اینکه متن برخی از این روایات، یکی هستند، مشخص است که این «حسن بن علی»ها، همان پسوند ناصری را دارند.(برای نمونه نک: همو، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۳۱۲ و ج۲، ص۵۲)

بنابراین، ظاهراً در تمامی اسناد احمد بن حسن، منظور از «حسن بن علی»، پدر وی، «حسن بن علی الناصری» یعنی ناصر اطروش هستند؛ هرچند که این روایات ذیل آیات سوره‌هایی هستند که در تفسیر کنونی عسکری، جزء مجلدات مفقوده و افتادگی‌ها می‌باشند.(نک: استادی، ۱۴۰۱ش: الف، آخر متن)

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد حسن بن علی الناصری در روایات صدوق

	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری
۱	علل الشرایع صدوق ج۱، ص۲۹۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۲	معانی الأخبار (۱) ص۲۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِي (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۳	الأمالی صدوق ص۳۵۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرْآبَادِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ النَّاصِرِ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۴	معانی الأخبار (۲) ص۲۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۵	معانی الأخبار ص۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسین] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	-	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۶	الأمالی صدوق ج۱ ص۴۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ (راوی تفسیر)	عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْقَاضِي الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ	أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ	عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ (زیدی)	أَخِيهِ مَعْمَرٍ	-	-
۷	عیون الأخبار ج۱ ص۲۵۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَّاقُ (راوی تفسیر)	عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيُّ	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ	أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ	عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ (زیدی)	أَخِيهِ مَعْمَرٍ	-	-

۴ـ۲ـ۳. اسناد قاضی علوی و دیگران

جدای از اسناد قبل، که مشخصاً با تفسیر عسکری در ارتباط است، اسناد روایات دیگری را نیز در آثار صدوق می‌توان یافت که از «حسن بن علی» هستند؛ همانند:

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

«حدثنا علی بن أحمد بن موسی الدقاق، قال: حدثنا علی بن **الحسین القاضی العلوی العباسی**، قال: حدثنی **الحسن بن علی**.»(صدوق، ۱۳۷۶ش، ص۹۴)

ولی در حال حاضر مشخص نیست که آیا این روایات نیز ارتباطی با کتاب تفسیر عسکری دارند یا خیر؛ به این دلیل که اکنون تنها برخی از مجلدات کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام در دسترس است که همان نیز افتادگی‌هایی دارد. (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ب، مقدمه).

۴ـ۳. جمع‌بندی اسناد تفسیر در آثار صدوق

با معرفی اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام در آثار شیخ صدوق، حداقل دو نتیجه یا جمع‌بندی می‌توان داشت:

الف. دو طریق صدوق به «حسن بن علی»

دست‌کم دو طریق در آثار شیخ صدوق از تفسیر عسکری یافت می‌شود که منتهی به حسن بن علی هستند؛ و البته تفاوت‌های بسیار شاخصی در توصیف‌های پیشوندی و پسوندی خود دارند که گویای دو شخص‌اند: یکی امام زیدیه و دیگری امام امامیه.

ب. حسن بن علی اسناد، ناصر اطروش است

اکنون لازم است بررسی مستقلی انجام شود که منظور از «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ محمد بْنِ عَلِیٍّ» در این روایات کیست؟ آیا امام حسن عسکری علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام هستند؟ یا اشخاص دیگری، مثلاً ناصر اطروش و پدرش، منظورند. ظاهراً و با توجه به اسناد تفسیر در *احتجاج* که بعد از این خواهد آمد، به نظر می‌رسد که تمامی اسناد صدوق از «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ»، منظور «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلنَّاصِرِیُّ عَنْ أَبِیهِ» هستند؛ که در نسخه‌برداری‌های بعدی آثار صدوق، مورد تحریف و تصحیف واقع شده‌اند.

۴ـ۴. جمع‌بندی شیخ صدوق کتاب تفسیر را در اختیار نداشته است

طبق شواهدی که خواهد آمد، گویا شیخ صدوق کتاب تفسیر را به‌صورت مستقیم در اختیار نداشته و حتی تمامی روایات و احادیث کتاب را در طرق افراد دیگری، ندیده و نشنیده است. به این معنی که شیخ صدوق، تنها به تعداد اندکی(یعنی حدود سی روایت) از روایات تفسیر عسکری، به‌واسطهٔ مفسر استرآبادی و دیگران دسترسی پیدا

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

نموده و تنها همان روایت‌ها را در آثار خود منعکس کرده است. دراین‌باره شواهد و قراینی را می‌توان ارائه کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۴ـ۴ـ۱. عدم استفادۀ روایات تفسیر در آثار مرتبط صدوق و دیگران

با فرض اینکه تفسیر روایات و احادیث تفسیر از امام حسن عسکری(ع) یا منسوب به ایشان باشند، از آنجا که مستقیم نقل از امام(ع) هستند یا حتی اگر با واسطۀ منقول از امام باشند، می‌توانسته متن بسیار مهمی باشد که هیچ مؤلفی و ناقل اخباری نمی‌توانسته به‌راحتی از کنار آن بگذرد و از نقل این راویات چشم‌پوشی کند؛ به‌ویژه مؤلفانی که به جمع‌آوری تمامی روایات و احادیث معتقدند، یا مؤلفانی که آثار هم‌موضوع و مشابه با برخی از احادیث و روایات دارند.

بنابراین، مؤلفانی (همانند صفار قمی، خصیبی، شیخ مفید، ابن شاذان قمی و...) که تألیفاتی مشابه موضوع مطالب تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) نوشته‌اند، مخاطب اصلی به‌کارگیری این کتاب هستند، مگر اینکه دسترسی به متن کتاب تفسیر نداشته باشند. ازاین‌رو توجه به این نکته که آیا مؤلفان از کتاب تفسیر منسوب به عسکری استفاده و بهره برده‌اند یا خیر، می‌تواند گویای نکات مهمی باشد و می تواند نشان دهد که مؤلف کتاب تفسیر را دیده است یا خیر؟

اکنون با توجه به این مقدمه، به آثار شیخ صدوق و همچنین برای نمونه، به دوصاحب کتاب دیگر پرداخته می‌شود.

الف. شیخ صدوق

چون بیش از سی روایت از تفسیر عسکری در آثار صدوق وجود دارد، توجه به اسناد روایات صدوق و نیز اسناد نسخ خطی تفسیر از شیخ صدوق، و نیز وضعیت هماهنگی و تفاوت کل اسناد صدوق از تفسیر عسکری قابل تأمل می‌شود.

سند اصلی و واقعی تفسیر عسکری می تواند سه حالت داشته باشد: **یک**. این کتاب در واقع، همین اسناد موجود کنونی را از ابتدا داشته است؛ **دو**. این تفسیر، سندی نداشته است و بعدها از اسناد روایات آثار شیخ صدوق یا مشابه آن، سندی برای نسخ خطی تفسیر وضع شده است؛ **سه**. این تفسیر، همین اسناد کنونی را، البته با نام سهل دیباجی یا مثلاً خالد برقی داشته است که در مقطعی از زمان، سند قبلی با نام راویان

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

روایات صدوق تعویض شده‌اند.

با قبول فرض حالت دوم و سوم مشخص می‌شود که اسناد تفسیر مجعول‌اند؛ اما با قبول فرض حالت اول، چند سؤال به وجود می‌آید: ۱. اگر شیخ صدوق کتاب تفسیر را داشته، چرا ۳۵۰ روایت از روایات دیگر این کتاب تفسیری را نقل نکرده است؟ با اینکه صدوق آثار متنوعی دارد که مطالب روایات تفسیر عسکری، متناسب به‌کارگیری در آن آثار است؛ ۲. اگر این تفسیر کنونی با همین اسنادِ منسوب به شیخ صدوق در دست صدوق بوده، چرا شیخ صدوق روایات آن را با دو یا چند طریق متفاوت از هم نقل کرده است؟

ب. ابن‌شهرآشوب

ابن شهرآشوب(م۵۸۸ق) در *معالم العلماء*، یادکردی از تفسیر امام حسن عسکری‌علیه‌السلام و نیز ابوجعفر المرعشی ندارد. به نظر می رسد که اگر کتاب تفسیر امام حسن عسکری‌علیه‌السلام و *الاحتجاج* با اسناد موجود از ابوجعفر مرعشی، در نزد ابن‌شهرآشوب بود، نام ابوجعفر الحسینی المرعشی را به‌عنوان راوی اصلی این دو کتاب، در *معالم العلماء* درج می‌نمود، همان‌گونه که تفسیر امام عسکری‌علیه‌السلام از الحسن بن خالد برقی(ز۲۵۴ق) را عنوان کرده است.(ابن‌شهرآشوب، بی‌تا، ص ۷۰)

همچنین، با اینکه موضوعات مشابهی در کتاب *مُتَشابهُ القرآن*، *مثالب النواصب* و *مناقب*(نک: ابن‌شهرآشوب، ۱۳۶۹ق و ۱۳۷۹ق و ۱۴۳۶ق: فهرست) با تفسیر منسوب به امام حسن عسکری‌علیه‌السلام وجود دارد، فقط چند نقل از تفسیر عسکری در *مناقب* وجود دارد(ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ش: ۲، ص ۳۰۰، ۳۱۳ و ۳۲۹) که یا از آثار شیخ صدوق استفاده شده، یا از آثاری که شیخ صدوق از آن‌ها برای درج برخی از روایات تفسیر عسکری استفاده کرده است.

بنابراین اگر بپذیریم که ابن‌شهرآشوب به کتاب تفسیر عسکری به‌صورت مستقیم دسترسی داشته است، این سؤال بسیار مهم مطرح می شود که چرا ابن شهرآشوب بیش از ۳۵۰ روایت از روایات دیگر این کتاب تفسیری را با توجه به این نکتهٔ مهم که همهٔ روایات تفسیر عسکری با این چند اثر ابن‌شهرآشوب مرتبط‌اند، نقل نکرده است؟

ج. دلائل الامامه

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

برای نمونهٔ کتاب دیگر، از دلائل الامامة می توان نام برد که دربارهٔ زندگانی، معجزات و فضایل حضرت زهرا(س) و ائمه معصومین(ع) است و کاملاً مرتبط با موضوع کتاب تفسیر عسکری است. در این کتاب نیز جز موارد اندکی نقل از تفسیر عسکری(برای نمونه نک: طبری، ۱۴۱۵ق: ۳۷۶) که به‌نقل از روایات صدوق هستند، خبری از استفاده از کتاب تفسیر عسکری نیست.

۴ـ۴ـ۲. عدم تطبیق کامل روایات صدوق و تفسیر کنونی

آنچه از روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری که اکنون در کتاب کنونی تفسیر عسکری وجود دارد، در بعضی موارد، تطابق کامل با تفسیر کنونی ندارد؛ این وضعیت می‌تواند گویای این مسئله باشد که اگر روایات صدوق تحریف نشده باشند، روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری به‌صورت مستقیم اتفاق نیفتاده است؛ به این معنی که او تعداد محدود روایات تفسیر عسکری را از منابع دیگر نقل کرده است، نه به‌صورت مستقیم از کتاب تفسیر عسکری. یکی از دلایل تشخیص این وضعیت، می تواند وجود تفاوت عمده در متن روایات صدوق با روایات تفسیر کنونی عسکری باشد.(نک: صدوق، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص۳۲۷؛ عسکری، ۱۴۰۹ق، ص۳۲۷)

۵. اسناد موجود در نسخ خطی تفسیر عسکری

نسخه های خطی کنونی تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) سه دسته‌اند؛ برخی دارای فقط یک نوع سند ابتدای نسخه(به‌همراه یک سند مختصر داخلیِ مشابه) هستند و برخی دارای سند نوع دیگر و متفاوت از قبلی هستند، و برخی نسخه‌ها نیز دارای هر دو نوع این سندها ابتدایی کتاب‌اند؛ که در بخشی از طریق، راویان با هم مشترک‌اند.

۵ـ۱. معرفی اسناد نسخ خطی تفسیر

۵ـ۱ـ۱. سند اول، در ابتدای نسخهٔ خطی کتاب

قال محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن دقاق [برخی نسخ: رفاق]: حدثنی الشیخان الفقیهان: أبوالحسن محمد بن أحمد بن علی بن الحسن بن شاذان و أبومحمد جعفر بن أحمد بن علی القمی(ره) قالا: حدثنا الشیخ الفقیه أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی(ره) قال: أخبرنا أبوالحسن محمد بن القاسم المفسر الاسترابادی الخطیب(ره) قال: حدثنی أبویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و أبوالحسن

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

علی بن محمد بن سیار [برخی نسخ: یسار] ـ وکانا من الشیعة الامامیة ـ قالا: کان أبوانا إمامیین، و کانت الزیدیة هم الغالبون بأستراباذ، و کنا فی إمارة الحسن بن زید العلوی الملقب بالداعی إلی الحق إمام الزیدیة، و کان کثیر الاصغاء إلیهم، یقتل الناس بسعایاتهم، فخشینا علی أنفسنا، فخرجنا بأهلینا إلی حضرة الامام أبی‌محمد الحسن بن علی بن محمد أبی‌القائم... .(نک: عسکری، ۱۴۰۹ق، ص۸؛ در نسخه های خطی أ، ب، د، ط، ق، و)

این سند بر روی کهن‌ترین نسخهٔ خطی تفسیر به تاریخ ۸۰۸ق نیز می‌باشد. (استادی، ۱۴۰۱ش: الف، سراسر متن)

۵ـ۱ـ۲. سند دوم، در ابتدای نسخهٔ خطی کتاب

قال الشیخ أبوالفضل شاذان [بن] جبرئیل بن إسماعیل القمی أدام‌الله‌تأییده حدثنا السید محمد بن شراهک [یا: سراهنک، شراهتک] الحسینی [یا: الحسنی] الجرجانی عن السید أبی‌جعفر مهتدی بن حارث الحسینی المرعشی عن الشیخ الصدوق أبی‌عبدالله جعفر بن محمد الدوریستی عن أبیه عن الشیخ الفقیه أبی‌جعفر محمد بن علی بن بابویه القمی رحمه‌الله تعالی قال أخبرنا أبوالحسن محمدبن القاسم الأسترآبادی الخطیب رحمه‌الله تعالی قال حدثنی أبویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و أبوالحسن علی بن محمد بن سیار و کانا من الشیعة الامامیة قالا: کان أبوانا إمامیین و کانت الزیدیة هم الغالبین بأسترآباد و کانا فی إمارة الحسن بن زید العلوی الملقب بالداعی إلی الحق إمام الزیدیة و کان کثیر الاصغاء إلیهم یقتل الناس بسعایاتهم فخشیناهم علی أنفسنا فخرجنا بأهلینا إلی حضرة الامام الحسن بن علی بن محمد أبی‌القائم علیه‌السلام... .(برای نک: نسخهٔ خطی رضوی به شمارهٔ ۱۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ نیز نسخهٔ خطی مرعشی به شمارهٔ ۱۱۹۸۵ قرن ۱۱؛ نیز نک: عسکری، ۱۴۰۹ق، ص۷؛ در نسخه‌های خطی ب، د، س، ص، و)

همین اسناد با تفاوت اندک و مغایرت املایی، با این عنوان «و لنذکر ما وجدناه فی مفتتح تفسیر الامام العسکری»، در *بحارالانوار* آمده است.(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱، ص۷۰)

۵ـ۱ـ۳. سند سوم، در اواسط کتاب

جدای از سند اصلی ابتدای متن کتاب، یک اشارهٔ دیگر به آن سند، در اواسط کتاب شده و نام دو راوی آن ذکر شده است:

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

قال أبو یعقوب یوسف بن زیاد و علی بن سیار رضی‌الله عنهما حضرنا لیلة علی غرفة الحسن بن علی بن محمد. و قد کان ملک الزمان له معظِّماً و حاشیته له متبجلین إذ مر علینا و الی البلد و الی الجسرین و معه رجل مکتوف. و الحسن بن علی‌علیه‌السلام مشرف من روزنته. فلما رآه الوالی، ترجل عن دابته إجلالا له. فقال له الحسن بن علی‌علیه‌السلام عد إلی موضعک فعاد و هو معظم له و قال یا ابن‌رسول‌الله: أخذت هذا فی هذه اللیلة علی باب حانوت صیرفی فاتهمته بأنه یرید نقبه و السرقة منه فقبضت علیه فلما هممت بأن أضربه خمس‌مائة... .(برای نمونه نک: کهن‌ترین نسخهٔ عسکری، در دانشگاه تهران، برگ ۷۶؛ همچنین دربارهٔ عبارت «یا ابن رسول الله» و اینکه اطروش با چند واسطه، نوهٔ پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است؛ نک: موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲ش، ص۶۷)

این سند و داستان پس از آن، به‌روشنی نشان می‌دهد که «حسن بن علی» در این متن، ناصر کبیر اطروش امام زیدیهٔ طبرستان است، نه امام یازدهم‌علیه‌السلام(نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ت، سراسر متن) که تحت نظارت و محصور حاکم زمان خود بوده‌اند.(نک: پاکتچی، ۱۳۹۱ش، ص۶۲۶) چون ناصر اطروش پس از کناره‌گیری از قدرت و مشغول شدن به تدریس و آموزش تفسیر به دانشجویان، بسیار مورد احترام افراد حکومتی بود، همان حکومتی که خود پایه‌گذار آن بود.(نک: ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰ش، ص۲۷۵؛ موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲ش، ص۱۴۷)

۵ـ۲. تفاوت‌های دو مدل سند اول نسخه‌های خطی تفسیر

دو مدل سند تفسیر بر روی نسخ خطی، سه دست اختلاف دارند:

۵ـ۲ـ۱. اختلافات اساسی

جدای از اسناد روایات شیخ صدوق از مفسر استرآبادی در آثار صدوق که همگی این اسناد از شخص شیخ صدوق آغاز شده‌اند، هر سه نوع سند دیگر کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری‌علیه‌السلام بر روی نسخه‌های خطی تفسیر و *احتجاج*، دارای دو مرحله‌اند. این دو مدل سند نسخ خطی کتاب تفسیر نیز در این قاعده قرار دارد و اختلاف اساسی‌اش، وجود همین دو مرحله در اسناد است:

یک. اسناد راویان تا شیخ صدوق؛ که در این دو نوع سند تفسیر، کلاً از هم متفاوت‌اند و دو طریق مختلف را شکل می‌دهند.

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

دو. اسناد راویان از شیخ صدوق تا امام حسن عسکری؛ که در دو مدل سند تفسیر، با کمی اختلافات جزئی، کلاً یکسان‌اند.

این دو مرحله از اسناد تفسیر، یعنی هریک از این مراحل که ذکر شد، اختصاصات و اهمیت ویژهٔ خود را دارند؛ که به‌زودی به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۵ـ۲ـ۲. اختلافات اختلافات جزئی

اختلافات جزئی شامل دو گونه اختلافات‌اند: **یک.** اختلافات میان اسناد مشابه و یکسان؛ **دو.** اختلافات موجود در میان دو نوع سندِ متفاوت تفسیر در نسخ خطی تفسیر. چون حجم این اختلافات جزئی در این اسناد زیاد است، در اینجا برای نمونه به برخی از این اختلافات اشاره شده است:

۱. تفاوت راوی اولیهٔ تفسیر که در این نسخه «رفاق» آمده است؛ یعنی محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن رفاق؛ اما در برخی نسخه‌های دیگر، «دقاق» ذکر شده است.

۲. حسین، جد صدوق را «حسن» ذکر کرده؛ أبوجعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه.

۳. بین أبویعقوب یوسف و بن زیاد، «بن محمد» نیامده است.

۴. ابوالحسن، کنیهٔ علی بن محمد بن سیار، «أبوالحسین» درج شده است.

۵. در برخی نسخه‌های دیگر، محمد بن سیار، «محمد بن یسار» درج شده است. چون وی نیز مجهول است، به‌دقت نمی‌توان درستی نگارش این اسم را تجزیه و تحلیل کرد. ولی ظاهر بیشتر منابعی که اسم او را درج کرده‌اند، نشان می‌دهد که سیار، صحیح است.

۵ـ۲ـ۳. اختلافات مهم

شاید مهم‌ترین اختلاف اسناد تفسیر بر روی نسخ خطی، اختلاف در نگارش کنیه‌ها برای عسکری است. این اختلافات نگارشی جزئی اما مهم، در این مسئله ازاین‌رو که بازشناسی هویت نام عسکری کمک می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. در این اسناد، در هنگام ذکر نام امام عسکری، دو نوع کنیه ذکر شده است: یک. حضرة الامام **أبی‌محمد** الحسن بن علی بن محمد **أبی‌القائم**؛ دو. حضرة الامام الحسن بن علی بن محمد **أبی‌القائم**.

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

هم امام حسن عسکری، یعنی ناصر اطروش، و هم امام حسن عسکری علیه‌السلام یعنی امام یازدهم ما شیعیان، هر دو کنیهٔ «ابی محمد» داشته‌اند.(استادی، ۱۴۰۱ش: ب، آخر متن) اما کنیهٔ «ابی‌قائم» اختصاص به امام یازدهم شیعیان، یعنی امام حسن بن علی بن محمد عسکری علیه‌السلام دارد.

در این میان، یک مسئله مشکوک است که همان می‌تواند در تشخیص تصحیف صورت‌گرفته در سند تفسیر، کمک‌رسان باشد. آن مسئله، ذکر دو دفعه کنیه برای «حسن بن علی» است؛ به این معنی که در برخی اسناد نسخ خطی، یک بار، ابتدا کنیهٔ «ابی‌محمد» ذکر شده و دوباره پس از درج نام حسن بن علی، کنیهٔ «ابی‌قائم» درج شده است؛ که در برخی از اسناد دیگر، این وضعیت دوگانهٔ کنیه، اصلاح شده و کنیهٔ «ابی‌محمد» از اسناد حذف شده است.

این وضعیت گویای این است که در نسخ ابتدایی و اولیهٔ تفسیر، فقط کنیهٔ «ابی محمد» که کنیهٔ ناصر اطروش است، وجود داشته است.(برای نمونه نک: صفحه ۵ نسخهٔ خطی کتابخانهٔ حوزهٔ علمیه اردکان به شمارهٔ ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق؛ نیز: طبرسی، ۱۳۸۶ق: ۱۵) در مرحله بعد، که کتاب تفسیر انتسابش به امام یازدهم شیعیان شکل گرفته، کنیه «ابی‌قائم» به اسناد اضافه شده است؛ و در نسخه‌برداری‌های بعدی نسخ تفسیر، برخی به این وضعیت دو کنیه‌ای ویژه، توجه کرده‌اند؛ و کنیهٔ اول یعنی «ابی محمد» را در نسخه‌برداری‌های خود حذف نموده‌اند.(برای نمونه نک: نسخهٔ خطی رضوی به شمارهٔ ۱۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ و نیز نسخهٔ خطی مرعشی به شمارهٔ ۱۱۹۸۵ قرن ۱۱)

به‌عبارت ساده، تغییرات کنیه‌ای برای حسن بن علی، در سه مرحله صورت گرفته است:

مرحلهٔ اول: ابی‌محمد حسن بن علی؛ که حسن بن علی آن ناصر اطروش است.

مرحلهٔ دوم: ابی‌محمد حسن بن علی ابی‌قائم؛ که دو کنیه برای امام یازدهم شیعیان، یعنی امام حسن عسکری علیه‌السلام ذکر شده است.

مرحلهٔ سوم: حسن بن علی ابی قائم؛ که منحصر است در هویت امام یازدهم شیعیان.(نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ب، ۶۹)

۵ـ۳. گزارش دو مرحله اسناد تفسیر عسکری

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

این دو مرحله، که نقطهٔ تمایزشان شخص شیخ مفید است، عبارت‌اند از:

۵ـ۳ـ۱. اسناد تفسیر تا شیخ صدوق

این اسناد، دو نوع‌اند که از دو طریق راویان مختلف شکل گرفته‌اند:

یک. قال محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن دقاق حدثنی أبوالحسن محمد بن أحمدبن علی بن الحسن بن شاذان و أبومحمد جعفر بن أحمد بن علی القمی قالا حدثنا أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی... .

دو. قال الشیخ أبوالفضل شاذان بن جبرئیل بن إسماعیل القمی حدثنا السید محمد بن سراهنک الحسینی الجرجانی عن السید ابوجعفر مهدی بن ابی حرب الحسینی المرعشی عن أبی‌عبدالله جعفر بن محمد الدوریستی عن أبیه عن أبی‌جعفر محمد بن علی بن بابویه القمی... .

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) تا شیخ صدوق

		۶۰۰+ قمری	۵۷۵+ قمری	۵۵۰+ قمری	۵۲۵+ قمری	۵۰۰+ قمری	۴۷۵+ قمری	۴۵۰+ قمری	۴۲۵+ قمری	۴۰۰+ قمری	۳۷۵+ قمری
۱	سند احتمالی اولیه تفسیر از سهل دیباجی	-	-	-	-	-	-	-	محمّد بن عليّ بن محمّد بن جعفر بن الدقّاق (رفاق)	أبومحمّد جعفر بن أحمدبن‌علي‌القمّيّ	سهل بن احمد دیباجی (م ح ۳۸۰ق)
۲	تفسیر امام عسکری(ع) (قدیمی‌ترین نسخه خطی با تاریخ ۸۰۸ق)	-	-	-	-	-	-	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	محمّد بن عليّ بن محمّد بن جعفر بن الدقّاق (رفاق)	أبوالحسن محمّد بن أحمد بن عليّ بن الحسن بن شاذان (ز۴۱۲ق) و أبومحمّد جعفر بن أحمدبن‌علي‌القمّيّ	شیخ صدوق (م۳۸۱ق)
۳	تفسیر امام عسکری(ع) (نسخه‌های خطی آ، ب، د، ط، ق، و)	-	-	-	-	-	-	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	محمّد بن عليّ بن محمّد بن جعفر بن الدقّاق (رفاق)	أبوالحسن محمّد بن أحمد بن عليّ بن الحسن بن شاذان (ز۴۱۲ق) و أبومحمّد جعفر بن أحمدبن‌علي‌القمّيّ	شیخ صدوق (م۳۸۱ق)
۴	احتجاج نسخه اردکان تاریخ۷۳۶ق اسناد تفسیر امام حسن عسکری(ع)	-	(احتجاج منسوب به ابومنصور طبرسی (ح۵۸۸ق)	؟	أبوجعفر مهدي بن أبي‌حرب الحسيني المرعشي (م۵۳۹ق)	؟	أبوعبدالله جعفر بن محمد بن أحمد الدوريستي (بعد ۴۷۴ق)	؟	؟	أبومحمد [جعفر] بن أحمد	شیخ صدوق (م۳۸۱ق)
۵	تفسیر امام عسکری(ع) (نسخه‌های خطی ب، س، ص، و)	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	أبوالفضل شاذان بن جبريل بن إسماعيل‌القمّيّ (۵۹۰ تا ۶۰۰ق)	محمّد بن شراهتك الحسيني الجرجانيّ (ز۵۳۳ق)	أبي‌جعفر مهتدي بن الحارث الحسيني المرعشيّ (م۵۳۹ق)	؟	أبي‌عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي	عن أبيه	؟	؟	شیخ صدوق (م۳۸۱ق)
۶	تفسیر امام عسکری(ع) (سند نونویس در حاشیه قدیمی‌ترین نسخه خطی با تاریخ ۸۰۸ق)	ناقل قال [ناشناس، یعنی: پست‌تر از مجهول و مهمل]	أبوالفضل شاذان [ابن] جبرئيل بن إسماعيل‌القمي (۵۹۰ تا ۶۰۰ق)	محمد بن شراهك الحسني الجرجاني (ز۵۳۳ق)	أبي‌جعفر مهتدي بن الحارث الحسيني المرعشي (م۵۳۹ق)	؟	أبي‌عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي	عن أبيه	؟	؟	شیخ صدوق (م۳۸۱ق)

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۵ـ۳ـ۲. اهمیت پرداختن به این اسناد تا شیخ صدوق

دربارهٔ توجه به اسناد تفسیر تا شیخ صدوق که ممکن است برخی آن را تشریفاتی بدانند، این سؤال قابل طرح است: آیا اساساً توجه به این اسناد مهم است یا این اسناد به‌نوعی اسناد تشریفاتی محسوب می‌شوند و تأمل در راویان آن‌ها اهمیتی ندارد؟

در اینجا توجه به این نکته ضروری است که اگر کل کتاب موجود و در دسترس تفسیر منسوب به امام حسن عسکری﵇ یا بنا بر فرضیهٔ قوی این پژوهش، تفسیر اطروش، در آثار شیخ صدوق موجود و در دسترس بودند، توجه به راویان اسناد تا شیخ صدوق چندان اهمیتی برای اعتبارسنجی کتاب تفسیر عسکری نداشت؛ یعنی این اسناد به‌نوعی تشریفاتی محسوب می‌شدند؛ اما چون از سویی فقط ۲۰ روایت و از طرف دیگر حداکثر ۳۰ روایت از روایات این تفسیر در آثار شیخ صدوق موجودند، به این معنی است که اعتبار سندی حدود ۳۵۰ روایات دیگر تفسیر منسوب به امام حسن عسکری﵇ که در آثار شیخ صدوق وجود ندارند، به اعتبار و وضعیت رجالی راویان اسناد تا قبل از شیخ صدوق وابسته‌اند. به‌عبارت دیگر، این روایات تفسیر عسکری را نمی توان به اعتبار آثار شیخ صدوق ضمیمه کرد؛ چون ممکن است این روایات دیگر، موضوع و مخدوش باشند و سهواً یا عمداً اسنادشان به شیخ صدوق منسوب شده باشند، مگر اینکه ثابت شود اسناد نسخ خطی تفسیر عسکری کنونی، که نام شیخ صدوق را بر خود دارند، اصیل اند؛ و این اسناد از آثار صدوق، به نسخ خطی بدون سند تفسیر عسکری راه نیافته‌اند.

۵ـ۳ـ۳. اسناد تفسیر از شیخ صدوق تا عسکری

این اسناد که در نسخ خطی تفسیر عسکری به‌صورت یکسان(با اختلافات جزئی) آمده است، عبارت‌اند از: قال أخبرنا محمد بن القاسم قال حدثنی یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار(و کانا من الشیعة الامامیة) قالا کان أبوانا إمامیین و کانت الزیدیة هم الغالبون بأستراباذ و کنا فی إمارة الحسن بن زید العلوی الملقب بالداعی إلی الحق إمام الزیدیة و کان کثیر الاصغاء إلیهم یقتل الناس بسعایاتهم فخشینا علی أنفسنا فخرجنا بأهلینا إلی حضرة الامام أبی‌محمد الحسن بن علی... .

۶. اسناد موجود در کتاب موسوم به احتجاج

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

جدای از اسناد روایات شیخ صدوق در آثارش، تنها اثری که بخش قابل توجهی از روایات تفسیر عسکری را در خود دارد، کتاب *احتجاج* منسوب به طبرسی است. روایات این کتاب همگی بدون اسنادند، مگر همین روایات تفسیر عسکری، که مؤلف به دلیل عدم شهرتش، به‌همراه اسنادش ذکر نموده است.(طبرسی، ۱۳۸۶ق، ص۱۴ و ۱۵)

۶ـ۱. گزارش سند تفسیر در احتجاج

در نسخه‌های متعدد کتابی که احتجاج خوانده می‌شود، این سند برای روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) در اوایل کتاب *احتجاج* آمده است:

حدثنی به السید العالم العابد أبوجعفر مهدی بن أبی‌حرب الحسینی المرعشی رضی‌الله‌عنه قال حدثنی الشیخ الصادق أبوعبدالله جعفربن محمد بن أحمد الدوریستی رحمةالله علیه قال حدثنی أبومحمد بن أحمد قال حدثنی الشیخ السعید أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی رضی‌الله‌عنه قال حدثنی أبوالحسن محمد بن القاسم المفسر، قال حدثنی أبویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و أبوالحسن علی بن محمد بن سیار و کانا من الشیعة الامامیة قالا حدثنا أبومحمد الحسن بن علی العسکری(ع) قال حدثنی ابی عن آبایه علیهم الصلاة و السلم عن رسول الله(ص) انه قال...(بعنوان نمون نک: صفحه ۵ نسخهٔ خطی کتابخانهٔ حوزهٔ علمیهٔ اردکان به شمارهٔ ۱۷۷ به تاریخ ۷۳۶ق؛ نیز طبرسی، ۱۳۸۶ق، ص۱۵)

در نسخه های خطی دیگر، همین اسناد با برخی تفاوت های اندک و مغایرت املایی وجود دارد.(برای نمونه نک: نسخه مرعشی شماره ۹۸۳۶ به تاریخ ۱۰۳۳ق) همچنین همین اسناد با کمی تفاوت در *عَوالی اللّئالی العَزیزیة* از ابن‌ابی‌جمهور(م بعد ۹۰۱ق)، با عنوان «طبرسی مفسر» آمده است.(ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ص۱۶)

۶ـ۲. سند نسخهٔ احتجاج، متفاوت از سند کتاب کنونی تفسیر است

جدای از راویان ابتدایی اسناد تفسیر در کتاب *احتجاج* و نسخ تفسیر عسکری، یک تفاوت بسیار مهم در بخش دوم آن اسناد در این دو کتاب وجود دارد:

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد تفسیر عسکری در احتجاج	اسناد تفسیر عسکری در نسخ تفسیر
قال حدثني أبوالحسن محمد بن القاسم المفسر	قال أخبرنا أبوالحسن محمد بن القاسم الأسترآبادي الخطيب رحمه‌الله‌تعالی
قال حدثني أبويعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبوالحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الإمامية قالا	قال حدثني أبويعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبوالحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الإمامية قالا
حدثنا	كان أبوانا إماميين و كانت الزيدية هم الغالبين بأسترآباد و كانا في إمارة الحسن بن زيد العلوي الملقب بالداعي إلی‌الحق إمام الزيدية و كان كثير الإصغاء إليهم يقتل الناس بسعاياتهم فخشيناهم على أنفسنا فخرجنا بأهلينا إلى حضرة الإمام
أبومحمد الحسن بن علي العسكري(ع) عليهما السلام قال حدثنی ابی عن آبایه عليهم الصلاة و السلام عن رسول الله(ص) انه قال ...	أبي‌محمد الحسن بن علي بن محمد أبي القائم(ع) ...

این سند *احتجاج* با کمی تفاوت در اختلاف «ابویهما» به‌عنوان راوی اضافه در سند یا توضیح اضافه، شبیه اسناد روایات شیخ صدوق است؛ که پیش تر بیان شد که آن اسناد همگی از «حسن بن علی عن ابی **عن آبائه**» هستند؛ با این تفاوت که در برخی از آن اسناد، «حسن بن علی» ناصری است و در برخی اسناد، امام حسن عسکری علیه‌السلام؛ و جمع‌بندی کردیم که همگی اسناد، حسن بن علی ناصری هستند و در نسخه‌برداری‌های آثار صدوق، مورد تصحیف و تحریف واقع شده‌اند.

اسناد تفسیر عسکری در احتجاج	جمع‌بندی اسناد تفسیر در روایات شیخ صدوق
محمد بن القاسم المفسر قال حدثني أبويعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبوالحسن علي بن محمد بن سيار و	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرْآبَادِيُ عَنْ [أبويعقوب] يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ [أبوالحسن] عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَيارٍ
كانا من الشيعة الإمامية	كَانَا مِنَ الشِّيعَةِ الْإِمَامِيَّةِ
قالا	عَنْ أَبَوَيْهِمَا
حدثنا أبومحمد الحسن بن علي‌العسكري عليهماالسلام	عَنِ [أبومحمد] الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
قال حدثنی ابی عن آبایه	عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ

طبق این اسناد، حتی اگر حسن بن علی، ناصر اطروش نباشد، راوی اصلی اسناد، امام هادی علیه‌السلام و عسکری اول یعنی ابی‌حسن الثالث علیه‌السلام هستند. همان طور که ابن‌غظائری

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

(ح ۴۵۰ق) نیز در *رجال* خود برای تفسیر عسکری اشاره کرده است: و الآخر علیّ بن محمد بن یسار عن أبیهما، عن أبی الحسن الثالث﷣(ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق، ص۹۸)

بنابراین مهم‌ترین تفاوت سند کتاب *احتجاج*(کهن‌ترین نسخهٔ موجود ۷۳۶ق) با سند کتاب تفسیر(کهن ترین نسخهٔ موجود ۸۰۸ق یا چندی بعدتر) در ناقل و قائل اصلی کتاب تفسیر است.

بنابراین با توجه به مطالبی که از ابتدا تاکنون گذشت، در حال حاضر با سه ناقل برای تفسیر عسکری روبه‌رو هستیم:

۱. امام حسن بن علی عسکری متوفی ۳۰۴ق؛ امام زیدیه یعنی ناصر اطروش.

۲. امام علی بن محمد عسکری﷣ متوفی ۲۵۴ق؛ امام دهم امامیه.

۳. امام حسن بن علی عسکری﷣ متوفی ۲۶۰ق؛ امام یازدهم امامیه.

۷. اسناد احتمالی(تعویضی و ترکیبی) دیگر تفسیر

جدای از اسنادی که پیش‌تر برای تفسیر عسکری بیان شد، برای بیان یا تبیین «اسناد احتمالی، تعویضی و ترکیبی» برای تفسیر عسکری، لازم است به اطلاعاتی که دربارهٔ تفسیر عسکری یا تفاسیر مشابه آن در برخی منابع رجالی یا فهرستی بیان شده، توجه کرد.

چند اطلاع از تفسیر منسوب به امام عسکری﷣ وجود دارد:

۷ـ۱. اطلاع ما از تفسیر عسکری به‌نقل از ابن‌غضائری

ابن غضائری(ح ۴۵۰ق) نیز در *رجال* خود در عنوان «محمد بن القاسم» می نویسد: «المفسّر الأسترآبادیّ. روی عنه أبوجعفر ابن‌بابویه. ضعیف، کذّاب. روی عنه تفسیرا یرویه عن رجلین مجهولین: أحدهما یعرف بیوسف بن محمد بن زیاد، و الآخر: علیّ بن محمد بن یسار عن أبیهما، عن أبی‌الحسن الثالث﷣ و التفسیر موضوع عن سهل الدیباجیّ عن أبیه، بأحادیث من هذه المناکیر.»(ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق، ص۹۸) همین مطالب را علامه حلی و دیگران از ابن‌غضائری نقل کرده‌اند.(برای نمونه نک: حلی، ۱۴۱۷ق، ص۴۰۵)

دراین‌باره چندین مطلب قابل توجه است:

در سخن ابن غضائری، ممکن است که وی از دو تفسیر، به مناسبت یک مسئله یاد کرده باشد؛ به این معنی که هم از تفسیر منقول از محمد بن قاسم یاد کرده است و هم از تفسیر منقول از سهل بن دیباج؛ و آن‌ها را(چه یک تفسیر باشند و چه دو تفسیر

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

متفاوت) از نظر «موضوع بودن»، یکسان دانسته است.

به‌عبارت دیگر، جملهٔ ابن‌غضائری این‌گونه است: تفسیر منقول از استرآبادی موضوع است؛ همان‌گونه که تفسیر منقول از دیباجی موضوع است؛ و در اینجا «و التفسیر موضوع عن سهل الدیباجی»، کلمهٔ «کما عن» از جملهٔ ابن غضائری، افتادگی در نسخه‌برداری پیدا نموده است؛ و نوشته شده «عن». همان‌گونه که علامه شوشتری نیز به این احتمال افتادگی اشاره کرده است.(شوشتری، ۱۴۰۱ق، ج۱، ص۲۱۵)

۷ـ۲. اطلاع ما از تفسیر عسکری به‌نقل ابن‌شهرآشوب

پیش‌تر گفتیم که ابن‌شهرآشوب کتاب تفسیر عسکری را که اکنون موجود است ندیده است؛ و فقط چند روایت اندک از آن به نقل از دیگران در اثر خود استفاده کرده است. ابن‌شهرآشوب در *معالم العلماء* در عنوان حسن بن خالد برقی(زنده ۲۵۴ق) نوشته است: «[لحسن] بن خالد البرقی: اخو محمد بن خالد. من کتبه: تفسیر العسکری من املاء الامام علیه‌السلام مائة وعشرون مجلدة.(ابن شهرآشوب، بی‌تا، ص۷۰) آقابزرگ تهرانی در *الذریعة* پس از ذکر این تفسیر در مؤلفات امام(ع) نوشته: چون ابن‌شهر آشوب هنگام شرح حال حسن بن خالد تفسیر عسکری را به‌صورت مطلق بدون قید ذکر نموده است؛ ظاهر امر مراد از «العسکری» امام هادی(ع) باشد، که ملقب به «بصاحب العسکر» و «العسکری» بوده است.(آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج۴، ص۲۸۳)

۷ـ۲ـ۱. اسناد تفسیر حسن بن خالد برقی

اکنون تفسیر منسوب به خالد و مذکور در *معالم العلماء* در دسترس نیست و ما به‌قطع نمی‌دانیم که آیا واقعاً تفسیر مستقلی بوده یا همان تفسیر عسکری کنونی است؛ که خالد فقط ناقل آن بوده است؟ هرچند که مقدار اندکی از روایات وی(حدود نه روایت) با عنوان «حسن یا حسین بن خالد» در *تفسیر قمی* آمده است.(قمی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۲۷ و ۸۴ با عنوان «حسین بن خالد»، و ج۲، ص۱۹۳، ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۹۰، ۴۰۱؛ با عنوان «حسن بن خالد»، ج۱، ص۱۲۹ و ۲۴۸)؛ هرچند که این چند موردی که از تفسیر حسن بن خالد برقی در *تفسیر قمی* آمده است، جزء مواردی از آیات قرآن هستند که اکنون در تفسیر عسکری موجود، افتادگی دارد.(همان، ج۱، ص۸۲ سورهٔ بقره، ص۱۲۹ سورهٔ آل‌عمران، ص۱۹۳ سورهٔ انعام، ص۲۴۸ سورهٔ اعراف و ج۲، ص۳۲۸ سورهٔ ذاریات،

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

ص۳۴۳ سورهٔ رحمان، ص۳۹۰ سورهٔ جن و ص۴۰۱ سوره نبأ)

فقط یک مورد از روایات تفسیری حسن بن خالد از سورهٔ بقره است که از قضا همان نیز جزء افتادگی‌های تفسیر کنونی عسکری از سورهٔ بقره است. در *تفسیر قمی*، بخش تفسیر سورة البقرة، الآیات ۲۴۳ الی ۲۵۱، حدیثی از حسن بن خالد آمده(همان، ج۱، ص۸۲) که این بخش از آیات بقره در قسمت افتادگی تفسیر کنونی عسکری (احتمالاً میان مجلدات ۷ ، ۸ و ۹) واقع شده است.

۷ـ۲ـ۲. این‌همانی تفسیر حسن بن خالد و تفسیر حسن بن علی عسکری

اما سه نکته می‌تواند به‌نوعی گویای این‌همانیِ این تفسیرها باشد؛ و یک نکتهٔ دیگر ناقض این‌همانی. سه نکتهٔ پشتیبانی‌کننده عبارت‌اند از:

یک. مشابهت موضوعی تفاسیر و احادیث

با توجه به متن روایات باقی‌مانده از حسن بن خالد، که پیش‌تر بیان شد، ظاهراً تفسیر منسوب به وی نیز از جهت محتوا و موضوع، شبیه تفسیر عسکری کنونی بوده است؛ یعنی در تفسیر بیشتر آیات تأویل شده و غالب تأویل‌ها دربارهٔ معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام هستند.(برای نمونه نک: همان‌جا)

دو. یکصد و بیست جلد بودن تفسیر

توضیحات اضافی ابن‌شهرآشوب دربارهٔ مجلدات تفسیر، یعنی «مائة وعشرون مجلدة»(ابن‌شهرآشوب، بی‌تا، ص۷۰)، شبیه همین وضعیت تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است که اکنون بخشی از آن در دسترس می‌باشد.

طبق متن کنونی تفسیر عسکری که در بخش هایی از آن تصریح شده، این تفسیر، جزءجزء و مجلدات کوچک کوچک(و به‌نوعی جزوات آموزشی) بوده است(نک: استادی، ۱۴۰۱ش: الف و ب، سراسر متن)؛ که در نسخه برداری‌های بعدی(مثلاً قرن ۶) چند جلد ابتدایی آن، که یافته شده، به‌صورت یک جا و یک مجلد، نسخه برداری شده است.

تفسیر یک‌جلدی کنونی عسکری و در دسترس ما، شامل آیات فاتحه تا آیهٔ ۲۸۲ بقره است(عسکری، ۱۴۰۹ق، فهرست)؛ که همین مقدار، در چند مجلد نسخهٔ خطی بوده است.(نک: همان، ص۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۲، ۶۰۳ و ۶۳۶)

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

با توجه به اینکه تقسیم قرآن به سی جزء و هر جزء به چهار حزب، پس از دوران «حجاج» و به‌منظور تسهیل در امر تدریس و فراگیری قرآن انجام گرفت(نک: صالح، ۱۳۷۲ق، ص۹۳ـ۹۷) و به‌واسطهٔ مدارس علمی و آموزشی پررنگ شد(زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج۱، ص۲۵۰) به نظر می‌رسد که متن تفسیر عسکری نیز بر اساس احزاب قرآن، تدوین و نسخه‌نویسی شده بوده است. بر این اساس، تفسیر آیات اول قرآن تا انتهای سورهٔ بقره، ده مجلد می شود و تفسیر تمامی قرآن، ۱۲۰ جلد خواهد شد. به این شکل که مثلاً مجلد یازدهم تفسیر عسکری، شامل آیات ۲۸۲ سورهٔ بقره تا حزب بعدی قرآن بوده است؛ و نشان‌هایی نیز از این مجلدبندی، همچون «شئ آخر من تفسیر هذه السورة من الامام الحسن بن علی(عسکری، ۱۴۰۹ق، ص۶۳۶) در متن نسخهٔ کنونی نیز وجود دارد؛ هرچند که به سبب درهم آمیختگی این مجلدات نازک با هم، در نسخه‌برداری بعدی از تفسیر، تشخیص مجلدات اولیهٔ تفسیر در تفسیر کنونی، مشکل شده است.(نک: استادی، ۱۴۰۱ش، الف، آخر متن)

سه. از بین رفتن تفسیر منسوب به حسن بن خالد

شاید یکی از دلایل از بین رفتن کل ۱۲۰ مجلد تفسیر منسوب به حسن بن خالد برقی، «این‌همانی» و وجود همین تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام باشد؛ به این معنی که مشابهت آن دو باعث شده است دیگران نیازی به نقل از تفسیر منقول از حسن بن خالد نبینند و این تفسیر مهجور مانده و از بین رفته باشد.

چهار. تأثیر تاریخ حیات حسن بن خالد در این‌همانی تفاسیر

دلایل احتمالی که برای این‌همانی «تفسیر حسن بن خالد» و «تفسیر حسن بن علی عسکری» بیان شد، زمانی قابل فرض اند که دوران حیات خالد، با دوران حیات ناصر اطروش، نویسندهٔ واقعی تفسیر عسکری، هماهنگ باشد.

تاریخ حیات حسن بن خالد، روشن نیست؛ اگر وی در حدود سال ۲۷۰ق یا پس از آن، وفات یافته باشد، به‌نوعی می توانسته تفسیر ناصر اطروش(۲۲۵ یا ۲۳۰ــ۳۰۴ق) را نقل کرده باشد؛ اما اگر حسن بن خالد، متوفی حدود سال ۲۵۰ق باشد، بسیار بعید است که تفسیر او، همان تفسیر ناصر اطروش باشد.

۷ـ۳. جمع‌بندی اسناد احتمالی

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

با توجه به مطالبی که گذشت، در اینجا چند احتمال وجود دارد؛ برای نمونه، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری یا همان تفسیر حسن بن علی اطروش، از دو یا چند طریق به نسل‌های بعدی منتقل شده باشد:

۷ـ۳ـ۱. احتمالات انتقال تفسیر عسکری

یک. از طریق سهل دیباجی(م۳۸۰ق) از پدرش(م‌ح ۳۴۰ق) از عسکری(چه ناصر اطروش متوفی ۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین علیهما‌السلام؛ که همین تفسیر موجود و منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام است.

دو. از طریق مفسر استرآبادی از یوسف بن زیاد و علی بن سیار از عسکری(چه ناصر اطروش متوفی ۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین علیهما‌السلام؛ که مقدار اندکی از روایات آن، توسط شیخ صدوق به‌نقل از محمد بن قاسم مفسر، در برخی از آثارش آمده است(برای نمونه نک: صدوق، ۱۳۵۷ق، ص۲۳۰؛ همو، ۱۳۷۹ش، ص۴)؛ و بخش بیشتری از آن، همین تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام است.

سه. از طریق حسن بن خالد از عسکری(چه ناصر اطروش متوفی م۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین علیهما‌السلام)؛ البته با توجه به اینکه دوران حیات وی با نویسندهٔ اصلی تفسیر عسکری هماهنگ باشد.

۷ـ۳ـ۲. احتمالات تغییرات سندی تفسیر عسکری

بنا بر آنچه بیان شد، می‌توان برای تبیین برخی تغییرات سندی، یا سندسازی، یا تصحیح اسناد، چند احتمال مطرح کرد:

یک. نسخ خطی اولیهٔ تفسیر کنونی، فقط اسناد تا قبل از شیخ صدوق و داستان اولیه را داشته است و اسناد تا شیخ صدوق نداشته و بعداً این اسناد از طرق برخی از آثار شیخ صدوق به اسناد نسخهٔ خطی تفسیر اضافه شده‌اند.(نک: استادی، ۱۴۰۱ش: الف، ۴۸)

دو. اسناد سهل دیباجی از ابتدای نسخ کهنهٔ تفسیر از بین رفته و در نسخه‌برداری‌های بعدی، اسناد موجود در آثار شیخ صدوق را اخذ و استفاده کرده و به‌جای سند ابتدای نسخه تفسیر، نوشته و نسخه‌برداری کرده‌اند.

سه. طبق یکی از سندهای تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام بر نسخه های خطی، محمد دقاق، تفسیر را از ابن‌رازی، یعنی جعفر قمی و نیز ابن‌شاذان قمی نقل کرده

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

است. از سوی دیگر، جعفر قمی در آثار خود اسامی جمعی از شیوخ خود را در سلسلهٔ اسناد آورده که از آن جمله می‌توان از سهل بن احمد دیباجی یاد کرد. (ابن رازی، ۱۳۶۹ش، ص۱۰۸) همچنین ابن شاذان قمی روایاتی از سهل بن احمد دیباجی دارد.(برای نمونه نک: کراجکی، ۱۴۱۰ق، ص۶۳ و ۱۵۱)

بنابراین ممکن است برخی افراد در نسخه‌برداری از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری‌علیه‌السلام به دلایلی همچون همان مطلب ابن غضائری دربارهٔ سهل دیباجی، سند تفسیر را تعویض یا به‌زعم خودشان، تصحیح نموده باشند؛ یعنی سند دقاق از جعفر قمی از سهل دیباجی را با سند شیخ روایات صدوق از مفسر استرآبادی، ترکیب کرده و نام سهل دیباجی را از این میان سند تفسیر عسکری حذف نموده اند. این احتمال با وضعیت اسناد دیگر تفسیر از شاذان، همخوانی دارد؛ چون در آن اسناد، میان پدر دوریستی و شیخ صدوق، راویانی وجود ندارد. این افتادگی، شاید سرنخی از همین حذف راویان و تعویض و ترکیب اسناد از سهل دیباجی به شیخ صدوق باشد.

نتیجه اینکه اگر سرنخ هایی از ارتباط پدر سهل دیباجی با حسن بن علی اطروش در عراق به دست آید، احتمال اول، پشتیبانی خواهد شد؛ و اگر نسخه‌های خطی دیگری از تفسیر با اسناد متفاوت پیدا شود، احتمال دوم پشتیبانی می گردد.

اما به نظر ما همان‌طور که پیش‌تر آمد، چون صدوق از تفسیر استفاده نکرده، تفسیر کنونی را در اختیار نداشته است، و اسناد راویان تا شیخ صدوق، در نسخه‌برداری‌های متأخر، به متن نسخهٔ خطی اضافه شده‌اند.

۸. جمع‌بندی اسناد تفسیر عسکری

دربارهٔ اسناد تفسیر عسکری، به‌صورت مشروح صحبت و نکات متعددی بیان شد؛ از جمع‌بندی مطالبی که گذشت، حداقل چند مطلب روشن می‌شود:

۸ـ۱. حسن بن علی، تصحیف و تحریف‌یافته

نام حسن بن علی، نقطهٔ مهم و اصلی اسناد تفسیر عسکری است؛ که باید مطالب مبهم و مشکوک دربارهٔ آن روشن شود؛ برای این منظور، چند مطلب قابل توجه است:

۸ـ۱ـ۱. حسن بن علی در آثار صدوق

در توجه به کل اسناد روایات صدوق از «حسن بن علی» و جمع بندی آن ها می‌توان

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

گفت: ۱. در اسناد روایات صدوق، حداقل حدود پنج روایت از حسن بن علی، به لقب ناصر اطروش، که صدوق از او در *عیون* و *الامالی* با «قَدَّسَ اَللّهُ رُوحَهُ» یاده کرده، تصریح شده است. ۲. چند عدد روایات صدوق نیز با توجه به متن مشابه احادیث آن‌ها، می توان نتیجه گرفت که در این اسناد، منظور از «حسن بن علی»، حسن بن علی الناصری، یعنی اطروش است. ۳. همچنین چند عدد از روایات حسن بن علی در آثار صدوق، راوی مستقیم آن، «احمد بن حسن» است؛ که طبق قراین، وی پسر ناصر اطروش است. ۴. با توجه به مابقی اسناد صدوق و نیز تطبیق آن ها با هم، و با توجه به جدول روایات اطروش، و هماهنگی اسناد در حسن بن علی، روشن است که منظور از عنوان «حسن بن علی» در آن‌ها، همگی یک نفرند.

بنابراین، القاب و کنیه ها یا توضیحات تکمیلی که به نام «حسن بن علی» و «ابیه» و راویان دیگر، از طریق نسخه برداران افزوده شده است. در واقع تحریفات و تصحیفات، نسخه‌ای است که در اصل نوشتۀ صدوق نبوده است.

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

اسناد حسن بن علی (ناصر اطروش)

	۳۷۵+ قمری	۳۵۰+ قمری	۳۲۵ قمری	۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری
۱	امالی شیخ طوسی ص۶۵۱	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ صَالِحٍ الصُّوفِيُّ الْخَزَّازُ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۲	علل الشرایع صدوق ج۱، ص۲۹۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۳	عيون أخبار الرضا(ع) ج۱ ص۲۷۴	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	؟	؟	الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۴	عيون الأخبار ج۱ ص۲۹۷ الأمالي صدوق ص۱۱۰	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ (الْأَسْتَرْآبَادِيُّ)	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	؟	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۵	عيون الأخبار ج۱ ص۳۱۲ و ج۲، ص۵۳	أَبُوالْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ [حديث مشابه، ناصری است]	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	؟	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيٍّ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
	معاني الأخبار (۱) ص۲۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
	الأمالي صدوق ص۳۵۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرْآبَادِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النَّاصِرِ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
۶	عيون الأخبار ج۲ ص۲	أَبُوالْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۷	معاني الأخبار (۲) ص۲۸۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۸	معاني الأخبار ص۲۸۸	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِيِّ (م۳۰۴ق)	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۹	معاني الأخبار ص۲۸۹	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ	[ابوالحسين] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ [الناصری] الْحُسَيْنِيُّ (م ۳۱۱ق)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ	؟	مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ	دَخَلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَر
۱۰	عيون أخبار الرضا ۱ / ۲۵۴ الخصال ج۲، ص۳۸۴	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ	عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ		أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۱۱	التوحيد، ۲۳۰ ؛ معاني الأخبار ص۴	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ	أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ وَ كَانَا مِنَ الشِّيعَةِ الْإِمَامِيَّةِ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الحسن بن علي بن محمد عليهما السلام	-	-	-	-	-
۱۲	معاني الأخبار ۲۲ و ۳۳ و ۳۶	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرْآبَادِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ	أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ (يسار)	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	-	-	-
۱۳	معاني الأخبار ۳۳۹	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْجُرْجَانِيُّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	أَبِيهِ	-	آبائه	-	-
۱۴	عيون أخبارالرضا ۱/ ۲۹۱	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْمُفَسِّرِ الْجُرْجَانِيُّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	آبائه	-	-
۱۵	علل الشرايع ۱/ ۲۱۶ ؛ عيون أخبارالرضا ۱/ ۲۸۲، ۲۸۸ بشارة المصطفى ۲۱۲	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرْآبَادِيُّ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ	أَبُو يَعْقُوبَ يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ (يسار)	الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	-	-	-	الرِّضَا	أَبِي عَنْ جَدِّي
۱۶	عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۲	أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَيَّادٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۱۷	عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۶۷ دلائل الامامة ۳۷۶ (سيار)	أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	-
۱۸	التوحيد ص ۴۷	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا	أَبِيهِ	-	جَدِّهِ	-	-
۱۹	من لا يحضره الفقيه ج۲، ص۳۲۷ علل الشرايع ۱/ ۱۴۰(سيار) عيون أخبارالرضا ۱/ ۲۹۱ معاني الأخبار ۳۹ الامالي صدوق ص۱۱ و ۱۷۳ صفات الشيعة ص۴۵	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرْآبَادِيُّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ (سيار)	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ	أَبِيهِ	-	آبَائِهِ	-	-
۲۰	عيون أخبار الرضا ۱/ ۱۲۷، ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵ التوحيد ۲۰۳ الامالي صدوق ۱۷۵	مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْجُرْجَانِيُّ	يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَسَارٍ	عَنْ أَبَوَيْهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ	-	أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ	أَبِيهِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى	أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر
۲۱	الأمالي صدوق ج۱ ص۳۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ	عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْقَاضِي الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ	الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ	أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ	عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ (زیدی)	أَخِيهِ مَعْمَرٍ	-	-
۲۲	عيون الأخبار ج۱ ص۲۵۰	عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَّاقُ	عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيُّ	الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ	أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ	عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ (زیدی)	أَخِيهِ مَعْمَرٍ	-	-
۲۳	بشارة المصطفى ص۷۵	أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْفَقِيهُ الْمَعْرُوفُ بِالنَّاطِقِيِّ	أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّيْبَانِيُّ	النَّاصِرُ الْحَقُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (م۳۰۴ق)	مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ [مرادی زیدی]	يَحْيَى بْنُ طَلْحَةَ الْيَرْبُوعِيُّ	أَبُو مُعَاوِيَةَ	لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ	طَاوُسٍ

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۸ـ۱ـ۲. حسن بن علی در سند تفسیر عسکری

در بررسی اسناد مختلف نسخ خطی تفسیر، و با توجه به تغییراتی که این اسناد یافته اند نیز مشخص شد که منظور از حسن بـن علـی در اسـناد تفسـیر عسـکری، فقـط یـک شخص است؛ ولی با تغییراتی سهوی یا عمدی در نقل القاب این شخص، یعنی القـاب و کنیه‌ها یا توضیحات تکمیلی که به نام «حسـن بـن علـی» و حـذف «ابیـه» از طریـق نسخه‌برداران تفسیر انجام شـده اسـت و در واقـع تحریفـات و تصـحیفات، نسـخه‌ای هستند، در اصل نسخهٔ اصلی تفسیر نبوده‌اند.

۸ـ۱ـ۳. حسن بن علی در آثار متأخرین

در ادامهٔ دو مطلب قبل و برای درک بهتر مسـئله تغییـرات هـویتی راویـان و برخـی از القاب و توضیحات راویان اسناد، مناسب است که نیم‌نگاهی نیز به آثار متأخر حدیثی با توجه به نام «حسن بن علی» داشته باشیم. برای نمونه، در همین اسناد روایات صـدوق که پیش‌تر بیان شد، برخی از القاب و کنیه‌ها به نام «حسـن بـن علـی» توسـط بزرگـان حدیثی متأخر و در تألیفاتشان، به اسناد صدوق اضافه و یا تغییر داده شده که هویـت و شخصیت راوی را به‌کلی تغییر داده است.

شیخ حر عاملی در برخی از احادیث منقول از صدوق از حسـن بـن علـی، عنـوان «اَلْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ» را به نام حسن بن علی افزوده است؛ همانند: فِي عُيُونِ اَلْأَخْبَـارِ عَنْ محمد بْنِ اَلْقَاسِمِ اَلْمُفَسِّرِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ اَلْحَسَنِ اَلْحُسَيْنِيِّ عَـنِ اَلْحَسَـنِ بْـنِ عَلِـيٍّ اَلْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ عَنْ آبَائِـهِ... .(حرعـاملی، ۱۴۱۶ق، ج۹، ص۳۹۰) کـه مـوارد آن متعدد است.(نک: همان، ج۲، ص۴۳۶ و ۴۴۸؛ ج۱۵، ص۲۲۶؛ ج۲۱، ص۳۶۵)

یا مثلاً علامه مجلسی که در موارد متعددی نام حسن بـن علـی را بـه «أبـی‌محمـد اَلْعَسْكَرِيِّ» تغییر داده است؛ همانند: [عیون أخبار الرضا﷣] ، اَلْمُفَسِّـرُ عَـنْ أَحْمَـدَ بْـنِ اَلْحَسَنِ اَلْحُسَيْنِيِّ عَنْ أَبِی محمد اَلْعَسْـكَرِيِّ عَـنْ آبَائِـهِ...(نـک: مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج۶، ص۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۵۲ و ۱۵۵؛ ج۸، ص۲۸۶؛ ج۶۵، ص۱۸؛ ج۶۸، ص۲۶۳)

۸ـ۲. مراحل احتمالی تغییرات

نام حسن بن علی در تفسـیر عسـکری و نیـز روایـات منقـول از آن، طـی دوران و در مراحل مختلف نوشتاری و نسخه‌برداری، تغییراتی را به خود دیده است؛ به‌طـوری کـه

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

کم کم از یک شخصیت مذهبی‌تاریخی زیدی‌مذهب، به یک شخصیت مذهبی امامی بدل شده است؛ برخی از مراحل تغییرات این‌گونه می‌توانند باشند:

۱. «حسن بن علی ناصری» عن «ابیه»

۲. «حسن بن علی» عن «ابیه»

۳. «ابی‌محمد حسن بن علی علیه‌السلام» عن «ابیه»

۴. «ابی‌محمد حسن بن علی عسکری» عن «ابیه»

۵. «حسن بن علی عسکری علیه‌السلام» عن «ابیه»

۶. «حسن بن علی عسکری علیه‌السلام» عن «ابیه عَلِیِّ بْنِ محمد»

۷. «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ محمد بْنِ عَلِیٍّ» عن «آبائه علیهم‌السلام»

۸. «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عن أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ محمد عن أَبِیهِ محمد بْنِ عَلِیٍّ اَلرِّضَا عن عَلِیَ بْنَ مُوسَی عن أَبِیهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ» عن «أَبِیهِ» عن «آبَائِهِ»

۹. اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ محمد بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ محمد بْنِ عَلِیِّ بْنِ اَلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ

۱۰. «أَبِی محمد اَلْعَسْکَرِیِّ» عَنْ «آبَائِهِ عَلَیْهِمُ‌اَلسَّلاَمُ»

۸ـ۳. حسن بن علی در اسناد تفسیر، ناصر اطروش است

این ادعا را حداقل در دو حوزه می‌توان تبیین نمود:

۸ـ۳ـ۱. با توجه به اسناد روایات صدوق

با تأمل در مطالبی که در اسناد صدوق گذشت، روشن است که نام «حسن بن علی» موجود در اسناد روایات صدوق و افراد دیگر، منظور امام یازدهم شیعه، یعنی امام حسن عسکری علیه‌السلام نیست، بلکه همان «حسن بن علی ناصری» یا «ناصر کبیر اطروش» است که در منابع زیدی، او را «صاحب دعوت، الامام الاعظم، الامام ناطق، الامام الحق» و با تعبیر مخصوص «الناصر للحق علیه‌السلام» نام می‌برند.(علیزاده، ۱۳۹۶ش؛ رحمتی، ۱۳۹۲ش، سراسر متن) و گاهی او را در زیدیه، به مناسبت لقب پدرش، با عنوان «العسکری» یاد کرده‌اند.(ابن‌عنبه، ۱۴۱۷ق، ش۲۸۵)؛ و به سبب شباهت نام او با نام امام حسن عسکری علیه‌السلام اشتباه گرفته شده است.

۸ـ۳ـ۲. با توجه به اسناد نسخ خطی تفسیر

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

این احتمال با سند نسخ خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) نیز به‌نوعی هماهنگ است: «...کان أبوانا إمامیین و کانت الزیدیة هم الغالبین بأستراباد و کانا فی إمارة الحسن بن زید العلوی الملقب بالداعی إلی الحق إمام الزیدیة و کان کثیر الاصغاء إلیهم یقتل الناس بسعایاتهم فخشیناهم علی أنفسنا فخرجنا بأهلینا إلی حضرة الامام الحسن بن علی بن محمد...» و همچنین با وضعیت یکی از فرزندان حسن بن علی ناصر کبیر، یعنی «ابوالحسین احمد بن حسن» نیز، که زیدی نبوده و از شیعیان امامیه بوده است همخوانی دارد(ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶ش، ص۲۷۳؛ آملی، ۱۳۴۸ش، ص۱۰۸)؛ که افرادی از هم‌مذهبان یا دوستان وی، برای تحصیل دانش به محضر ناصر اطروش بیایند.

همچنین انتساب این تفسیر به ناصر اطروش، با سند سوم تفسیر که در اواسط کتاب آمده و پیش‌تر توضیحاتی از آن نیز بیان شد، بسیار هماهنگ است.

۸ـ۴. دربارۀ حسن بن علی ناصری عسکری

ناصِر کَبیر(م۳۰۴ق) سومین حاکم علوی طبرستان، با نام اصلی حسن بن علی و ملقب به ناصر اُطرُوش است. وی زیدی‌مذهب بوده است(نک: علم الهدی، ۱۴۱۷ق، ص۳۸) هرچند برخی به‌اشتباه، یا با توجه به علایق امامی اطروش، وی را امامی دانسته‌اند.(نک: موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ش، سراسر متن) تألیفات و آثار زیادی به او نسبت داده‌اند(ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ص۲۴۰)؛ از جملۀ این آثار، *تفسیر کبیر* یا *تفسیر الاطروش*» است.(نک: تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج۴، ص۲۶۱) وی کتاب‌های متعددی در تفسیر و علوم قرآن داشته است.(استادی، ۱۳۹۹ش: سراسر متن).

۹. نتیجه‌گیری

۱. با جست‌وجو و بررسی منابع حدیثی امامیه، نسخه‌های خطی تفسیر، و کتاب‌های مرتبط با تفسیر عسکری، چند دسته اسناد قابل طرح شدند: اسناد تفسیر در روایات صدوق و در روایات انفرادی دیگر. اسناد در نسخه‌های خطی تفسیر. اسناد تفسیر در کتاب *الاحتجاج*، اسناد احتمالی و تعویضی دیگر.

۲. پس از بررسی اسناد تفسیر در آثار شیخ صدوق مشخص شد: دو طریق در آثار شیخ صدوق از تفسیر عسکری یافت می‌شود که منتهی به حسن علی هستند؛ و البته

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

تفاوت های بسیار شاخصی در توصیفات پیش و پس این نام دارند که گویای دو شخص اند: یکی امام زیدیه(یعنی ناصر اطروش) و دیگری امامان امامیه(یعنی امامین عسکریین). با توجه به اسناد تفسیر عسکری در *احتجاج*، مشخص است که تمامی اسناد صدوق از «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ»، منظور «اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اَلنَّاصِرِيُّ عَنْ أَبِيهِ» هستند که در نسخه‌برداری‌های بعدی آثار صدوق، مورد تحریف و تصحیف واقع شده‌اند.

۳. شیخ صدوق کتاب تفسیر عسکری را به‌صورت مستقیم در اختیار نداشته است؛ حتی تمامی روایات و احادیث کتاب را در طرق افراد دیگری ندیده و نشنیده است؛ به این معنی که شیخ صدوق فقط به تعداد اندکی از روایات تفسیر عسکری، به‌واسطهٔ مفسر استرآبادی و دیگران دسترسی پیدا کرده که تنها همان روایت‌ها را در آثار خود منعکس نموده است.

۴. نسخه‌های خطی تفسیر منسوب به امام عسکری عليه‌السلام سه دسته اند؛ برخی دارای یک نوع سند ابتدایی و داخلی مشابه، و برخی دارای سند نوع دیگر، و برخی دارای هر دو نوع این سندها ابتدایی کتاب‌اند؛ که در بخشی از طریق، افراد راویان با هم مشترک‌اند.

۵. مهم‌ترین اختلاف اسناد تفسیر بر روی نسخ خطی، اختلاف در نگارش کنیه‌ها برای عسکری است. این اختلافات جزئی در این مسئله ازاین‌رو که به بازشناسی هویت عسکری کمک می‌کند، بسیار مهم است. در این اسناد، در هنگام ذکر نام امام عسکری، دو نوع کنیه ذکر شده است. از سوی دیگر، هم امام حسن عسکری، یعنی ناصر اطروش، و هم امام حسن عسکری عليه‌السلام، یعنی امام یازدهم ما شیعیان، هر دو کنیهٔ «ابی‌محمد» داشته‌اند. در نسخ ابتدایی و اولیهٔ تفسیر، تنها کنیهٔ «ابی‌محمد» که کنیهٔ ناصر اطروش است، وجود داشته است. در مرحلهٔ بعد، که کتاب تفسیر انتسابش به امام یازدهم شیعیان شکل گرفته، کنیهٔ «ابی‌قائم» نیز، به اسناد اضافه شده است.

۶. جدای از اسناد روایات شیخ صدوق در آثارش، تنها اثری که بخش قابل توجهی از روایات تفسیر عسکری را در خود دارد، کتاب *احتجاج* است. سند احتجاج، با کمی تفاوت در اختلاف «ابویهما» به‌عنوان راوی اضافه در سند یا توضیح اضافه، شبیه اسناد

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

روایات شیخ صدوق است. طبق این اسناد، حتی اگر حسن بن علی، ناصر اطروش نباشد، راوی اصلی اسناد، امام هادی علیه السلام است. همان‌طور که ابن‌غضائری نیز در *رجال* خود اشاره کرده است.

۷. جدای از اسنادی که بیان شد، «اسناد احتمالی، تعویضی و ترکیبی» نیز برای تفسیر عسکری قابل بیان است که با اطلاع ما از تفسیر عسکری، به‌نقل از ابن‌غضائری و نیز، اطلاع ما از تفسیر عسکری، به‌نقل از ابن‌شهرآشوب، می‌توان احتمال‌ها و فرض‌هایی را برای دیگر اسناد تفسیر عنوان کرد.

۸. از جمع بندی مطالب دربارهٔ اسناد تفسیر عسکری، دو مطلب روشن می‌شود: الف. عنوان «حسن بن علی»، تصحیف و تحریف یافته است؛ یعنی نام حسن بن علی در تفسیر عسکری و نیز روایات منقول از آن، طی دوران و در مراحل مختلف نوشتاری و نسخه‌برداری، تغییراتی را به خود دیده است؛ به‌طوری که کم‌کم از یک شخصیت مذهبی‌تاریخی زیدی‌مذهب، به یک شخصیت مذهبی امامی بدل شده است. ب. حسن بن علی در اسناد تفسیر، «ناصر کبیر اطروش» یعنی، همان «حسن بن علی ناصری» است؛ که گاهی او را به مناسبت لقب پدرش، با عنوان «العسکری» یاد کرده‌اند؛ و به‌خاطر شباهت نام او با نام امام حسن عسکری علیه السلام انتساب تفسیر، اشتباه گرفته شده؛ که این انتساب، با سند سوم کتاب تفسیر نیز، بسیار هماهنگ است.

منابع

۱. آملی، اولیاءاله، *تاریخ رویان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ش.

۲. ابن‌ابی‌جمهور، محمد، *عَوالی اللّئالی*، قم: سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳ق.

۳. ابن‌اسفندیار، محمد، *تاریخ طبرستان*، به‌کوشش آشتیانی، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۶ش.

۴. ابن‌رازی، جعفر بن احمد قمی، *جامع الاحادیث*، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۹ق.

۵. ابن‌شهر آشوب، محمد بن‌علی، *معالم العلماء*، نجف: المطبعة الحیدریة، بی‌تا.

۶. ــــــــ ، *مثالب النواصب*، بغداد: المخطوطات العربیه، ۱۴۳۶ق.

۷. ــــــــ ، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم: دارالبیدار للنشر، ۱۳۶۹ق.

۸. ــــــــ ، *مناقب آل‌ابی‌طالب*، قم: علامه. نیز: همان(۱۳۷۶ق)، نجف: الحیدریة، ۱۳۷۹ق.

۹. ابن‌عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی، *عمدة الطالب فی انساب آل‌ابی‌طالب*، قم: مؤسسهٔ انصاریان،

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۱۴۱۷ق.
۱۰. ابن‌غضائری، احمد بن الحسین، *رجال ابن الغضائری*، بکوشش جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
۱۱. ابن النّدیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تعلیق ابراهیم رمضانی، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۷ق.
۱۲. استادی، کاظم، «بحثی دربارهٔ تفسیر امام حسن العسکری(ع)»، *نور علم*، شمارهٔ ۱۳، ۱۳۶۴ش، ص۱۱۸ـ۱۳۶.
۱۳. استادی، کاظم، «*معرفی آثار قرآنی ناصر للحق اطروش با تأکید بر تفسیر او*»، مطالعات ایرانی ـ اسلامی، د۱۰، ش۱، ۱۳۹۹ش، ص۸۰ـ۱۱۲
۱۴. استادی، کاظم، «*معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخهٔ خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)*» هفت آسمان، ش۸۳، ۱۴۰۱ش[الف]، ص۳۱ـ۵۹.
۱۵. استادی، کاظم، «*بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری*»، علوم قرآن حدیث، ش۱۰۹، ۱۴۰۱ش[ب]، ص۲۴۰ـ۲۶۰.
۱۶. استادی، کاظم، «*در جستجوی ابوجعفر الحسینی المرعشی*»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۱ش[پ].
۱۷. استادی، کاظم، «*تجزیه و تحلیل محتوای داستان های راویان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)*»، مطالعات ایرانی ـ اسلامی، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۲، ۱۴۰۱ش[ت]، ص۱۸۰ـ۲۱۰.
۱۸. بلاغی، محمدجواد، *آلاء الرّحمن فی تفسیرالقرآن*، قم: مکتبه الوجدانی، بی‌تا.
۱۹. پاکتچی، احمد، *دانشنامه بزرگ اسلامی*(حسن عسکری ع)، ج۲۰، تهران: دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۲۰. تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعة*، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۱. حر عاملی، *وسائل الشیعة*، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۶ق.
۲۲. حلی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال*، قم: الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۲۳. میرداماد، محمد باقر، *شارع النجاة*، تهران: جمال‌الدین میرداماد، ۱۳۹۷.
۲۴. درایتی مصطفی، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران*، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۹۱ش.
۲۵. رحمتی، محمدکاظم، *زیدیه در ایران*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲ش.
۲۶. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، المحقق إبراهيم، بیروت: دارإحیاء، ۱۳۷۶ق.
۲۷. شعرانی، ابوالحسن، *پژوهش های قرآنی علامه شعرانی*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۲۸. شوشتری، محمدتقی، *الاخبار الدخیلة*، تهران: الصدوق، ۱۴۰۱ق.
۲۹. صالح، صبحی ابراهیم، *مباحث فی علوم القرآن*، قم: الرضی، ۱۳۷۲ق.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بابویه، *التوحید*، چاپ حسینی، قم: بی‌نا، ۱۳۵۷ش.

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۳۱. ـــــــ ، *صفات الشیعه*، تهران: اعلمی، ۱۳۶۲ش.

۳۲. ـــــــ ، *الأمالی*، تهران: کتابچی. نیز: همان، بی‌تا، تهران: البعثة، ۱۳۷۶ش.

۳۳. ـــــــ ، *معانی الاخبار*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۹ق.

۳۴. ـــــــ ، *خصال*، تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۸۹ق.

۳۵. ـــــــ ، *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام نجف: الحیدریة، ۱۳۹۰ق. نیز: همان، تصحیح لاجوردی، تهران: جهان، بی‌تا.

۳۶. ـــــــ ، *من لا یحضره الفقیه*، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق. نیز: همان، تهران، بی‌نا، بی‌تا.

۳۷. ـــــــ ، *علل الشرایع*، قم: مکتبة الداوری، بی‌تا.

۳۸. طبرسی، (منسوب به) أحمدبن علی، *الاحتجاج*، تعلیق الخرسان، نجف: النعمان، ۱۳۸۶ق.

۳۹. طبری، (منسوب به) محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، تهران: بعثت، ۱۴۱۵ق.

۴۰. عسکری، حسن، *التفسیر الامام العسکری*، تحقیق ابطحی، قم: بی‌نا، ۱۴۰۹ق.

۴۱. علم الهدی، علی بن حسین، *مسائل الناصریات*، تحقیق مرکز البحوث، تهران: رابطة الثقافة والعلاقات الاسلامیة، ۱۴۱۷ق.

۴۲. علیزاده، رجبعلی، «میراث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناصر اُطروش در دیلمان، گیلان و طبرستان»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال پنجاهم، شمارهٔ ۲، ۱۳۹۶ش، ص۲۰۹ـ۲۳۱.

۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، محقق جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.

۴۴. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.

۴۵. لطفی، مهدی، «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال اول، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۶ش، ص۱۲۹ـ۱۴۴.

۴۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: الرسالة و دارالاحیاء، ۱۴۰۳ق.

۴۷. موسوی تنیانی، سیداکبر، «بررسی انتقادی دیدگاه ها دربارهٔ مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، تاریخ اسلام، س۱۶، ش۲، ۱۳۹۴ش، ص۵۵ـ۸۶.

۴۸. موسوی‌نژاد، سیدعلی، *مجموعه مقالات همایش ناصر کبیر*، تهران: مجمع‌جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۲ش.

۴۹. ناظمی، ربابه و معارف، مجید، «تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تأثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر»، *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، دورهٔ ۱۲، ش۲۳، ۱۳۹۷ش، ص۳۹ـ۷۳

۵۰. نفیسی، شادی، «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام در بررسی علامه شوشتری»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال اول، ش۶، ۱۳۸۵ش، ص۹۱ـ۱۱۴.

۵۱.

10.22052/HADITH.2022.243108.1099

۵۲. هاشمی، فاطمه، *بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری*علیه‌السلام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵ش.